

اصول دیانت بهائی

نوشته: دکتر داریوش و گریس شاهرخ

ترجمه از انگلیسی:
دکتر مینو ثابت (درخشان)

متن نوار بفارسی با صدای
شکوه رضائی و دکتر داریوش شاهرخ

از انتشارات ایمجز اینترنشنال

شهر البهاء ۱۵۲ بدیع - مارچ ۱۹۹۸

این صفحه عمدتاً خالی است

فهرست مطالب

فصل اول - تاریخ دیانت بهائی

- | | |
|---------|----------------------|
| صفحه ۳ | ۱ - حضرت باب |
| صفحه ۵ | ۲ - حضرت بهاء الله |
| صفحه ۵ | ۳ - حضرت عبدالبهاء |
| صفحه ۶ | ۴ - حضرت شوقی ربّانی |
| صفحه ۷ | ۵ - بیت العدل اعظم |
| صفحه ۸ | ۶ - دوره دیانت بهائی |
| صفحه ۹ | ۷ - عصر رسولی |
| صفحه ۹ | ۸ - عصر تکوین |
| صفحه ۱۰ | ۹ - عصر ذهبی |

فصل دوم - تاریخ حضرت بهاء الله

- | | |
|---------|--|
| صفحه ۱۹ | ۱ - ماهیت خداوند |
| صفحه ۲۰ | ۲ - مقام پیامبران |
| صفحه ۲۱ | ۳ - وحدت ادیان |
| صفحه ۲۱ | ۴ - وظایف دوگانه انسان |
| صفحه ۲۲ | ۵ - تحرّی حقیقت |
| صفحه ۲۳ | ۶ - فداکاری |
| صفحه ۲۳ | ۷ - تلاوت و مطالعه آثار حضرت بهاء الله |
| صفحه ۲۴ | ۸ - کار بمنزله عبادت |
| صفحه ۲۵ | ۹ - زندگی پس از مرگ |

فصل چهارم - تعلیم اجتماعی

- | | |
|---------|-------------------------|
| صفحه ۲۶ | ۱ - وحدت عالم انسانی |
| صفحه ۲۷ | ۲ - اهمیت خانواده |
| صفحه ۲۷ | ۳ - ترک تعصبات |
| صفحه ۲۸ | ۴ - تطابق علم و دین |
| صفحه ۲۹ | ۵ - صلح جهانی |
| صفحه ۳۰ | ۶ - تعلیم و تربیت عمومی |
| صفحه ۳۰ | ۷ - تساوی حقوق مرد و زن |

- ۸ - حلّ روحانی مسائل اقتصادی
 ۹ - زبان بین‌المللی

صفحه ۳۱
 صفحه ۳۲

فصل پنجم - قوانین بهائی

- ۱ - نماز
 ۲ - روزه
 ۳ - حقوق‌الله
 ۴ - ازدواج و طلاق
 ۵ - منهیات دیانت بهائی
 ۶ - وصیت‌نامه و مراسم تدفین
 ۷ - اطاعت از حکومت

صفحه ۳۴
 صفحه ۳۵
 صفحه ۳۵
 صفحه ۳۶
 صفحه ۳۷
 صفحه ۳۷
 صفحه ۳۸

فصل ششم - تشکیلات بهائی

- ۱ - عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله
 ۲ - بیت‌العدل اعظم
 ۳ - محفل روحانی ملی
 ۴ - محفل روحانی محلی
 ۵ - اطاعت از مؤسسات بهائی
 ۶ - مشورت
 ۷ - مؤسسه علمای بهائی
 ۸ - ضیافات ۱۹ روزه
 ۹ - صندوق‌های بهائی
 ۱۰ - مهاجرت

صفحه ۳۹
 صفحه ۴۰
 صفحه ۴۱
 صفحه ۴۱
 صفحه ۴۲
 صفحه ۴۳
 صفحه ۴۴
 صفحه ۴۵
 صفحه ۴۵
 صفحه ۴۶

فصل هفتم - زندگی در جامعه بهائی

- ۱ - حیات بهائی
 ۲ - اشتراک مساعی عمومی
 ۳ - ضیافات ۱۹ روزه
 ۴ - تعطیلات بهائی
 ۵ - درس اخلاق
 ۶ - تربید معلومات

صفحه ۴۷
 صفحه ۴۸
 صفحه ۴۹
 صفحه ۴۹
 صفحه ۵۰
 صفحه ۵۰

فصل هشتم - ظهورات مستمر و مداوم الهی

- | | |
|---------|-----------------------------|
| صفحه ۵۱ | ۱ - دین |
| صفحه ۵۲ | ۲ - هدف خلقت انسان |
| صفحه ۵۲ | ۳ - خداوند و پیامبران الهی |
| صفحه ۵۳ | ۴ - وحدت پیامبران الهی |
| صفحه ۵۴ | ۵ - بوقوع پیوستن پیشگوئی‌ها |
| صفحه ۵۴ | ۶ - دور ظهورات الهی |
-

فصل نهم - دانستنی‌ها

- | | |
|---------|-----------------------------|
| صفحه ۵۶ | ۱ - اسم اعظم |
| صفحه ۵۷ | ۲ - ستاره‌های ۵ پَر و ۹ پَر |
| صفحه ۵۸ | ۳ - تقویم بهائی |
| صفحه ۵۹ | ۴ - مرکز جهانی بهائی |

اصول دیانت بهائی

این مجموعه را به صدها نفوس مقدسی که در وقایع اخیر ایران به شهادت رسیدند تقدیم می‌داریم. خاطرهٔ دوتن از آنان هنوز در یادم باقی است. یکی بهیه خانم نادری و دیگری پروفیسور منوچهر حکیم. بهیه خانم معلم درس اخلاق و پروفیسور حکیم استاد دانشگاه من بودند. هردوی این عزیزان بهمراه سایر اعضای محفل روحانی ملی ایران هفده سال قبل به شهادت رسیدند.

از خلال این روزنه تاریخ و اصول دیانت بهائی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. البته مطالعهٔ این دیانت عمری بطول می‌انجامد، بنابراین این شرح مختصر به هیچوجه نمی‌تواند کامل باشد. از لحظه‌ای که انسان به حضرت بهاء‌الله ایمان بیاورد شعلهٔ ایمان در وجودش روشن می‌شود و اگر معلومات خود را در این مورد زیاد نکند هر لحظه بیم آن می‌رود که این شعله در معرض بادهای سخت امتحان قرار گیرد و خاموش گردد. برای اینکه محبت حضرت بهاء‌الله در قلب ما جایگزین شود لازم است که اول آن وجود مقدس را بشناسیم. با محبت به آن ذات مقدس به آسانی خواهیم

توانست از تعالیم و قوانین او اطاعت کرده بهائی حقیقی بشویم. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند بهائی حقیقی کسی است که ایمان خود را با زبان بیان کند، در قلب خود جای دهد و عملاً آن را نشان دهد.^۱

با وجودیکه این گفتار حکم یک مجموعه را دارد که همه مطالب بهم مربوطند، اما جهت سهولت درک، آن مطالب را در طی ۹ فصل بررسی خواهیم کرد. امیدواریم که این مختصر دوستان را به مطالعه عمیق این دیانت تشویق نماید.

۱ - کتاب (دنیای بهائی) جلد ششم صفحه ۲۸۳ (انگلیسی)

فصل اول

« تاریخ دیانت بهائی »

حضرت باب:

معنای باب در و دروازه است. القاب دیگر مبارک حضرت اعلی و نقطه اولی است.

در ۲۳ ماه می در سال ۱۸۴۴ میلادی هنگامی که یک جوان ۲۵ ساله تاجر از اهالی شیراز بنام سید علی محمد به ملاحسین که یکی از طلاب با علم و دانش وقت بود اظهار امر کرد لقب باب را برای خود برگزید و اظهار نمود که از طریق او مردم بظهور بزرگتری که بزودی ظاهر خواهد شد پی خواهند برد.

ظهور حضرت باب شباهت زیادی به ظهور یوحنا در دیانت مسیحی داشت که قبل از ظهور حضرت مسیح مردم را برای آمدنش آماده ساخت. چون تعالیم حضرت باب بسرعت در بین مردم پراکنده شد و مورد استقبال قرار گرفت مقامات حکومتی و پیشوایان مذهبی که در دولت ضعیف و فاسد آن زمان

قدرت فراوانی برای خود کسب کرده بودند از بیم بخطر افتادن موقعیت خود با تمام قوا به مبارزه بر علیه آن حضرت برخاستند و بزودی حضرت باب را دستگیر کرده بزندان افکندند.

در عرض ۶ سال حیاتش بعد از اظهار امر در حدود ۲۰ هزار نفر از پیروان آن حضرت بشهادت رسیدند. این پیروان که بنام بابی مشهور شده بودند دچار شکنجه‌های طاقت فرسائی شدند که ذکرش ممکن نیست. اولین هجده نفری که بدون خبر از یکدیگر حقانیت حضرت باب را دریافته و ایمان آوردند به لقب (حروف حی) ^۱ مفتخر شدند. یکی از حروف حی خانمی بود بنام قره‌العین که چند سال بعد حضرت بهاء‌الله باو لقب طاهره را عنایت فرمودند. او برای اولین بار حجاب را از چهره خود برداشت و آغاز عصر جدیدی را که در آن، زنان دارای شخصیت و حقوق مساوی با مردان خواهند بود اعلان نمود. آخرین حروف حی که به لقب قدوس مفتخر شد با آن که بیش از بیست و دو سال از عمرش نمی‌گذشت، از لحاظ مقام روحانی بعد از حضرت باب قرار گرفت. اکثر حروف حی جان خود را در راه عقیده و ایمان خود نثار کردند. شهادت معجزه‌آسای حضرت باب در تاریخ ۹ جولای ۱۸۵۰ در تبریز واقع شد. آن حضرت در مقابل شلیک ۷۵۰ (هفتصد و پنجاه) نفر سرباز محفوظ ماندند ولی برای دفعه دوم گلوله‌های آتشبار به مقصد خود رسیدند. این واقعه باورنکردنی در روزنامه‌های غرب انعکاس یافت.

حضرت بهاء الله:

با آنکه زندگانی و دورهٔ امر حضرت باب کوتاه بود ولی در همین مدت کوتاه مأموریت الهی آن حضرت که عبارت از آماده ساختن پیروان خود برای ظهور حضرت بهاء الله بود به هدف خود رسید. حضرت باب در کتاب آسمانی خود که نامش کتاب بیان است بیانی به عربی به این مضمون می‌فرمایند. خوشا بحال کسی که نظر خود را متوجه به نظم بدیع حضرت بهاء الله نماید و به شکرانه خداوند بپردازد.

در سال ۱۸۶۳ حضرت بهاء الله خود را مظهر موعود حضرت باب و کلیهٔ کتب مقدسهٔ قبل اعلان فرمودند. تاریخ حیات حضرت بهاء الله جداگانه در فصل دوم مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

حضرت عبدالبهاء:

حضرت بهاء الله در وصیتنامهٔ خود بنام کتاب عهدی پسر ارشد خود حضرت عبدالبهاء را بعنوان تنها مرجع موثق و مجاز برای تفسیر و تشریح تعالیم الهی تعیین فرمودند. حضرت عبدالبهاء زندگانی خود را وقف خدمت بامر الهی فرمودند. نام ایشان عباس و تولدشان مقارن اظهار امر حضرت باب در ۱۸۴۴ بود و صعود آن حضرت در سال ۱۹۲۱ واقع گردید. با آنکه حضرت بهاء الله القاب متعددی از قبیل «سرکار آقا»، «غصن اعظم» و «سراالله» به آن حضرت عطا فرموده بودند ولی ایشان خود را عبدالبهاء لقب دادند بمعنای بندهٔ بهاء. آن حضرت در تمام دوران تبعید و زندان به همراه پدر بزرگوارشان بودند و حتی شانزده سال بعد از صعود حضرت بهاء الله، زندانی آن وجود ادامه یافت. در هفت سال آخر، ایشان اجازهٔ خروج از شهر عکا را نداشتند. پس از آزادی از

زندان، حضرت عبدالبهاء به مصر و اروپا و سپس در سال ۱۹۱۲ سفری هفت ماهه به سرتاسر امریکا و قسمتی از کانادا فرمودند و در شهرهای مختلف، کلیساها، دانشگاه‌ها و منازل افراد، امر حضرت بهاء‌الله را اعلان فرمودند. سنگ بنیاد مشرق‌الاذکار امریکا که در شهر ویلمت واقع است بدست مبارک نهاده شد. ساختمان مقام اعلی که مرقد حضرت بابست در دامنه کوه کرمل واقع در اسرائیل، در محلی که حضرت بهاء‌الله تعیین فرموده بودند بنا شد. ساختمان مشرق‌الاذکار عشق‌آباد که اولین مشرق‌الاذکار دنیا و در ایالت ترکستان روسیه واقع بود، در زمان حضرت عبدالبهاء پایان رسید. در بین آثاری که از آن حضرت باقیمانده می‌توان از ۲۶ تا ۲۷ هزار لوح و چندین کتاب نامبرد. حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله و مثل اعلای تعالیم بهائی بشمار می‌روند. صعود آن حضرت در سال ۱۹۲۱ واقع شد و رمس مطهر یعنی جسد پاک ایشان در اطاق جنب مرقد حضرت باب به خاک سپرده شد.

حضرت شوقی ربانی (ولی امرالله):

تعیین حضرت عبدالبهاء بعنوان مرکز میثاق از جانب حضرت بهاء‌الله باعث حفظ اتحاد و یگانگی در بین پیروان این آئین گردید. حضرت عبدالبهاء نیز در الواح وصایای خود حضرت شوقی ربانی را که نوه ارشد ایشان بودند بعنوان ولی امرالله منصوب فرمودند تا این اتحاد در بین بهائیان محفوظ بماند. حضرت ولی امرالله آخرین مفسر و مبیین آثار حضرت بهاء‌الله هستند. ایشان در عکامتولد شده و در زیر توجه پدر بزرگ بزرگوارشان پرورش یافتند. در ایام جوانی بعنوان

روزنه‌های یاد

منشی انگلیسی زبان در خدمت حضرت عبدالبهاء بودند. در سن ۲۴ سالگی هنگامی که در دانشگاه آکسفورد انگلستان به تحصیل مشغول بودند حضرت عبدالبهاء صعود فرمودند. در همین سن بود که شوقی ربانی مسئولیت ولایت امر را بعهده گرفتند.

در طول ۳۶ سال خدمات شبانه‌روزی که در سال ۱۹۵۷ با صعود آن حضرت پایان یافت، با طرح نقشه‌های متعدد تبلیغی موجبات توسعه و انتشار وسیع دیانت بهائی در سرتاسر جهان را فراهم نموده نظم اداری بهائی را بصورتی که حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء در نظر داشتند به مرحله اجرا گذاردند. از جمله خدمات ذیقیمت آن حضرت ترجمه آثار حضرت بهاء‌الله بانگلیسی، تکمیل ساختمان خارجی مقام اعلی، ساختمان بنای دارالآثار بین‌المللی بهائی، تنظیم و تزئین باغات اطراف روضه مبارکه یعنی محل مرقد حضرت بهاء‌الله و همینطور مقام اعلی است که در ارض اقدس واقعند. در بین آثار حضرت شوقی افندی می‌توان از هزاران الواحی که به سرتاسر جهان فرستاده شد و کتابهای ایشان نام برد. آن حضرت در سال ۱۹۵۷ میلادی در سن شصت سالگی در شهر لندن انگلیس صعود کردند و مرقدشان در همان شهر قرار دارد.

آخرین نقشه یعنی نقشه ده‌ساله تبلیغی حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۶۳ تکمیل گردید و در آن سال پنجاه و شش محفل ملی در سرتاسر جهان اعضای اولین بیت‌العدل اعظم را انتخاب نمودند.

بیت‌العدل اعظم:

حضرت بهاء‌الله در کتاب مقدس خود بنام کتاب اقدس تشکیل بیت‌العدل اعظم را معین فرمودند. حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای خود تأکید فرمودند که مرجع اهل بها کتاب اقدس است و اگر مطلبی در آن کتاب واضح و مشخص

نبود باید به بیت‌العدل اعظم مراجعه شود. همینطور می‌فرمایند که بیت‌العدل مرجعی است مصون از خطا. ۹ نفر اعضای بیت‌العدل اعظم هر پنج سال یکبار انتخاب می‌شوند. آخرین انتخاب، در سال ۱۹۹۳ توسط ۱۶۵ محفل روحانی ملی از سرتاسر جهان صورت گرفت. این خود بخود نشان می‌دهد که در سی سال اخیر نظم اداری بهائی در جهان سه برابر و تعداد مؤمنین به دیانت بهائی یازده برابر شده یعنی از نیم میلیون به پنج و نیم میلیون نفر افزایش یافته است. برطبق آمار دائرةالمعارف بریتانیا دیانت بهائی بعد از دیانت مسیحی دومین دیانتی است که در عالم پخش شده است.

دورهٔ دیانت بهائی:

یکی از عناوین حضرت محمد پیغمبر اسلام، خاتم‌الانبیاء است. معنای این عنوان اینست که با بعثت حضرت محمد دورهٔ ظهور نبی، یعنی کسی که ظهور آینده الهی را پیشگویی می‌کند پایان رسیده است. با ظهور حضرت باب در سال ۱۸۴۴، کور بهائی که انگلیسی آن The Baha'i Cycle است آغاز شد. این کور زمانی است که جمیع پیامبران گذشته به آمدن آن بشارت داده و کلیه ادیان برای فرارسیدنش روزشماری می‌کنند. طول این دوره پانصد هزار سال یعنی پنج هزار قرن خواهد بود. اولین مرحله در این کور، دور دیانت بهائی است که به انگلیسی آن را Baha'i Era می‌خوانند و حداقل هزار سال ادامه خواهد یافت. پس از آن پیامبر دیگری ظاهر خواهد شد. مطابق فرموده حضرت بهاءالله ظهور پیامبران الهی در این جهان پایانی نداشته و ادامه خواهد یافت و تازمانی که عالم انسانی وجود دارد به تعالیم الهی نیز احتیاج خواهد بود.

دور بهائی از سه عصر تشکیل یافته است که عبارتند از: ۱ - عصر رسولی یا The Apostolic Age ۲ - عصر تکوین The Formative Age

عصر رسولی:

این دوره که در سال ۱۸۴۴ با اظهار امر حضرت باب آغاز شد با صعود حضرت عبدالبهاء در ۱۹۲۱ خاتمه یافت. جانبازی‌ها و فداکاری‌های بی‌نظیر این عصر فتوحات فراوانی را نصیب دیانت بهائی کرد. مؤمنین اولیه این عصر بعنوان مطالع انوار که انگلیسی آن The Dawn Breakers می‌باشد، معروف هستند. تا زمان حضرت عبدالبهاء تعداد شهیدانی که جان خود را نثار عقیده و ایمان خود کردند به سی هزار نفر بالغ شد^۱. با مطالعه وقایع این عصر خواهیم توانست متوجه شویم که چگونه این درخت الهی با خون هزاران نفر شهید آبیاری و بارور شده است.

عصر تکوین:

نام دیگر این دوره تحول است که انگلیسی آن The Transitional Age می‌باشد. این دوره با شروع ولایت امر و تعیین حضرت شوقی ربانی بر طبق الواح و صایای حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۲۱ میلادی آغاز یافت. مؤسسات بهائی در این عصر بنیان‌گذاری شده و ادامه آن تا قرن ذهبی خواهد بود. اضطرابات و مصیبت‌های بدون سابقه عالم انسانی را به زانو درخواهند آورد. این بلاهای مختلف و امتحاناتی که برای بهائیان پیش خواهد آمد سبب فتوحات گوناگون

۱ - کتاب «عبدالبهاء» ص ۴۵ بقلم بالیوزی (انگلیسی).

برای این امر خواهد شد و شالودهٔ عصر ذهبی یعنی دوره‌ای که ملکوت الهی بر روی زمین مستقر می‌شود ریخته خواهد شد.

وظیفهٔ ما قیام بخدمت و اطمینان به قدرت شکست‌ناپذیر این دیانت است. ولی قبل از هر چیز باید خود را آماده کنیم و زندگانی خود را با دستورات حضرت بهاء‌الله مطابقت دهیم. فقط در آنصورت است که کلام ما جاذب قلوب خواهد بود.

حضرت ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم برای هم‌آهنگ ساختن فعالیت بهائیان جهان نقشه‌های مختلف تبلیغی طرح نموده‌اند. این نقشه‌ها که تحت عنوان نقشه‌های سه ساله، هفت ساله و غیره به اجباء داده شده تا فتح نهائی روحانی کرهٔ زمین ادامه خواهد یافت. کلیه این نقشه‌ها بر اساس الواح چهارده گانه‌ایست که از جانب حضرت عبدالبهاء خطاب به احبای امریکا و کانادا در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ صادر گردید و بنام فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء انتشار یافته است. این الواح را به انگلیسی The Tablets of the Divine Plan می‌نامیم.

عصر ذهبی:

تقسیم تاریخ به کور، دور و عصر توسط حضرت ولی امرالله صورت گرفت. آخرین عصر که عصر ذهبی است موقعی است که «صلح اکبر» با بلوغ عالم انسانی بعرضهٔ وجود خواهد آمد. در این عصر سرتاسر کرهٔ زمین بر طبق تعالیم و قوانین کتاب اقدس اداره خواهد شد. کرهٔ زمین حکم یک وطن و ساکنان آن هم وطنان یکدیگر محسوب خواهند شد. تعصبات گوناگون از میان خواهد رفت و افراط در ثروت و فقر تعادل خواهد یافت. در تمام جهان یک زبان و یک خط رایج خواهد شد.

توضیحات این عصر منصل است ولی با محدودیت وقت، کافی است که این

روزنه‌های یاد

نکته را گوشزد کنیم که عصر ذهبی دیانت بهائی همان دورانی است که کلیه پیغمبران و کتب مقدسه به آن بشارت داده و پیروانشان در انتظار آن، روزشماری می‌کنند.

* * * * *

فصل دوم

تاریخ حیات حضرت بهاء‌الله

حضرت بهاء‌الله که نام اصلی ایشان میرزا حسینعلی بود در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۸۱۷ میلادی در یک خانواده ممتاز و سرشناس در طهران متولد شدند. آثار ذکاوت و هوش ذاتی از او آن کودکی از حرکات ایشان نمایان بود. برخلاف سایر فرزندان ثروتمندان، حضرت بهاء‌الله توجه فراوانی به نیازمندان و بیماران داشتند و بزودی بعنوان «پدر یتیمان» مشهور شدند. در هجده سالگی با آسیه خانم که دختری از خانواده نجبا و ثروتمندان آن دوره بود ازدواج کردند. در سن ۲۲ سالگی پدر خود را از دست دادند و مقام پدرشان در دربار شاه برای ایشان به ارث باقی ماند. با آن که صدراعظم وقت این مقام را بایشان پیشنهاد نمود ولی حضرت بهاء‌الله قبول نکرده، صدراعظم را در بهت و حیرت باقی گذاردند. بیست و هفت سال بیشتر از عمر حضرت بهاء‌الله نگذشته بود که ملاحسین، اولین مؤمن به امر حضرت باب پیامی از ایشان برای حضرت بهاء‌الله آورد و آن را از طریق شخصی به نام ملا محمد معلم بحضورشان فرستاد.

روزنه‌های یاد

حضرت بهاء‌الله با دریافت این پیام دیانت حضرت باب را قبول کرده و جزو برجسته‌ترین مؤمنین که به بایی ملقب بودند محسوب شدند. چهار سال پس از آن در سال ۱۸۴۸ هنگامی که حضرت باب در زندان چهریق بسر می‌بردند حضرت بهاء‌الله در محلی بیلاقی بنام بدشت مجمعی از بایبان برای ملاقات و مذاکره ترتیب دادند. از جمله شرکت‌کنندگان در این مجمع طاهره و قدوس بودند. در طی این مجمع که با شرکت هشتاد و یک نفر بایی برگزار شد حضرت بهاء‌الله به هریک از آنان لقب جدیدی عطا فرموده برای خود لقب بهاء را برگزیدند. القاب طاهره و قدوس را نیز در آنوقت عطا فرمودند. بعد از آن بایبان حضرت بهاء‌الله را جناب بهاء خطاب می‌کردند. مجمع بدشت تغییرات کلی در حدود و قوانین قدیمی دین اسلام بعمل آورد و شروع عصر جدید را اعلان کرد. این تغییرات سبب وحشت و اضطراب چند نفر بایی که دیانت حضرت باب را بعنوان شعبه‌ای از دیانت اسلام قبول کرده بودند گردید. از حاضرین در مجمع بدشت فقط قدوس و طاهره به واقعیت و عظمت مقام حضرت بهاء‌الله پی برده بودند. ملاحسین بعللی نتوانست در این مجمع شرکت کند ولی او هم از مقام حقیقی حضرت بهاء‌الله آگاه بود. حضرت باب و حضرت بهاء‌الله هیچگاه، ظاهراً با یکدیگر ملاقات نفرمودند.

در طول مدتی که حضرت بهاء‌الله برای خدمت و تبلیغ دیانت بایی قیام فرمودند سه بار زندانی و یک بار به فلک بسته شده چوبکاری شدند. اقبال هزاران نفر به امر حضرت باب مراجع دولتی و مذهبی را نگران و مضطرب ساخت. برای حلّ این مسئله فکر کردند که با قصی‌ترین شکنجه و کشتار بایی‌ها شاید بتوانند مسلمانان را چشم ترسیده کنند. در حدود بیست هزار نفر به این ترتیب به شهادت رسیدند و بالاخره در سال ۱۸۵۰ حضرت باب را به جوخه آتش سپردند.

دو سال بعد از شهادت حضرت باب سه جوان نادان و کینه‌جو که پیرو آن

حضرت بودند بمنظور انتقامجویی شهادت آن حضرت و ظلم و بی‌رحمی، قصد جان ناصرالدین‌شاه را کردند ولی در انجام منظور خود موفق نشدند. در نتیجه این سوء قصد کلیه کسانی را که بنام بابی شهرت یافته بودند بخصوص افراد برجسته مثل حضرت بهاء‌الله را دستگیر کرده بزندان افکندند.

آن حضرت را با سی نفر دیگر از بابیان مشهور در زندان سیاه‌چال زندانی کردند. سیاه‌چال دخمه‌ای مرطوب، تاریک و متعفن در زیرزمین بود و اشعه خورشید هرگز به آنجا راه نداشت. صد و پنجاه نفر از زندانیان سیاه‌چال اکثراً از خطرناک‌ترین سارقین و جانی‌ها بشمار می‌رفتند. در این دخمه تیره و تاریک بود که وحی الهی در عالم رؤیا بر حضرت بهاء‌الله نازل شد. قتل و کشتار بابیان به شدت ادامه داشت. در زندان سیاه‌چال هر روز یکی از بابیها را صدا زده او را بدست جلاد می‌سپردند. حتی مردم عادی جلاد وحشی شده، بابیها را با آلات کار خود شکنجه داده بقتل می‌رساندند. در این طوفان بلا بالاخره بیگناهی حضرت بهاء‌الله ثابت شد و توانستند از زندان سیاه‌چال رهائی یابند. آن حضرت چهار ماه در آن زندان بسر بردند ولی بالاخره در دسامبر ۱۸۵۲ آزاد و به بغداد واقع در کشور عراق که در آن زمان تحت اداره حکومت عثمانی قرار داشت تبعید شدند. بعد از آزادی از سیاه‌چال بعلت بیماری حصبه و عفونت زخم‌های زالوهای سیاه‌چال، بدن ایشان ضعیف بود و قادر به آن سفر طویل در وسط زمستان نبودند. بدرخواست خانواده مبارک، دولت موافقت کرد که برای تبعید یکماه به آن حضرت فرصت بدهد. پس از انقضای این مدت، حضرت بهاء‌الله در حالی که هنوز دوره نقاهت را طی می‌کردند بهمراه عائله، سفر سخت و طاقت‌فرسای خود را بسوی بغداد آغاز نمودند. بعلت کمبود پول و عدم فرصت، تأمین وسایل لازمه بر علیه سرمایه‌کشنده زمستان و عبور از قله مرتفع و پوشیده از برف میسر نبود.

یکسال پس از ورود به بغداد نبرادری حضرت بهاء‌الله بخاطر حسادتی که

روزنه‌های یاد

نسبت به آن حضرت داشت آتش اختلاف و نفاق را برافروخت. حضرت بهاء‌الله بخاطر حفظ جامعه بابی از بلای نفاق و دودستگی تصمیم به سفر گرفتند و روزی بدون خبر بغداد را ترک نموده عازم کوه‌های سلیمانیه شدند که بمفاصله ۳۲۰ کیلومتر در شمال شرقی بغداد واقع است. مدت دو سال در آن کوه‌ها در انزوا بسر بردند و هیچکس از محل ایشان اطلاعی نداشت ولی عائله مبارکه پس از جستجوهای فراوان بالاخره محل انزوای ایشان را یافتند. حضرت بهاء‌الله در مقابل استدعا و خواهش فراوان افراد خوانواده و دوستان به بغداد مراجعت فرمودند. مدت اقامت آن حضرت در عراق رویهمرفته ده سال بطول انجامید که دو سال آن را در انزوا بسر بردند. در ایام بغداد مداوماً هدف مخالفت و دشمنی قنسول ایران و علماء و روحانیون قرار داشتند. با آن که مخالفین قصد هلاکت و نابودی ایشان را داشتند ولی هیچگاه به منظور خود موفق نشدند.

پس از چندی فرمان تبعید ایشان صادر شد. این بار از بغداد به استانبول پایتخت دولت عثمانی. در آوریل سال ۱۸۶۳ در آخرین روزهای اقامت در بغداد حضرت بهاء‌الله به باغ رضوان که در خارج از شهر بغداد واقع است تشریف برده در آنجا مأموریت خود را علناً اظهار فرمودند. در این اظهار امر علناً و واضحاً اعلان فرمودند که ایشان همان موعودی هستند که حضرت باب و کلیه پیغمبران گذشته به ظهورش بشارت داده‌اند. به عبارت دیگر ایشان مظهر کلی الهی هستند.

چهار ماه پس از ورود باستانبول فرمان دیگری مبنی بر تبعید مجدد ایشان از استانبول به شهر ادرنه که در دورترین نقطه امپراطوری عثمانی و شرقی‌ترین محل قاره اروپا واقع است صادر شد. این فرمان‌ها برای تبعیده‌های پی‌درپی مخصوصاً بنا بدرخواست و اصرار سفیر ایران صادر می‌شدند.

یکسال پس از ورود به ادرنه حضرت بهاء‌الله در نتیجه توطئه نابرداری سخت مسموم شدند بنحوی که امیدی به بهبودی ایشان نبود. پزشک معالج دکتر

شیشمان که بعد از معاینه ایشان گفت نه درمانی است و نه امیدی، جان خود را فدای شفای مبارک نمود و بدین ترتیب بعد از یک ماه حضرت بهاءالله شفا یافتند ولی اثر آن سم مهلک تا آخر حیات مبارک بصورت لرزش دستهایشان باقی ماند.

در مدت پنجسال اقامت در ادرنه حضرت بهاءالله پیام آسمانی خود را بصورت لوح و نامه به اطلاع ملوک و زمامداران وقت و نیز رهبران مذهبی جهان رساندند و به آنها گوشزد فرمودند که اگر به این پیام الهی توجه نکنند قدرت و شوکت خود را از دست خواهند داد. اکثریت آنها که به این اندرز توجه نکردند برطبق پیشگویی مبارک از اریکه قدرت بخاک افتادند بجز ملکه ویکتوریا که در جواب گفت «اگر این امر از خداست دوام خواهد یافت و اگر نیست آسیبی نخواهد رساند.»

آخرین فرمان نفی و تبعید حضرت بهاءالله بمنظور نابودی آن حضرت و از میان بردن امر مقدسش صادر شد. به این منظور حضرت بهاءالله را به قلعه عکا که به زندان باستیل دولت عثمانی مشهور بود تبعید کردند. این تبعید در سال ۱۸۶۸ صورت گرفت ولی آن حضرت برخلاف انتظار و امید دشمنانشان ۲۴ سال باقیمانده عمرشان را در عکا بسر بردند. بیشترین آثار مبارک در این مدت از قلمشان نازل شد. در ابتدا فرمان حکومت بر آن بود که حضرت بهاءالله را در حبس مجرّد و در پشت میله‌های آهنی محبوس کنند ولی بمرور زمان از شدت سختگیری‌ها کاسته شد و آن حضرت را به خانه‌های کوچک در داخل دیوار شهر عکا منتقل نمودند. در یکی از این خانه‌ها به اسم بیت عبود بود که در تابستان ۱۸۷۳ کتاب مقدس دیانت بهائی بنام کتاب اقدس نازل شد. رفته رفته از شدت دشمنی‌ها و محدودیت‌ها کاسته شد و به آن حضرت اجازه داده شد که از دروازه شهر عکا خارج شوند. حضرت بهاءالله دو سال را در مزرعه و ۱۲ سال آخر ایام حیات را در قصر بهجی اقامت فرمودند. شخصی که این قصر را برای

روزنه‌های یاد

خود و فامیلش ساخته بود بعلت بروز مرض وبا آن را ترک کرده به شهر عکا مراجعت کرد. در مدت اقامت در قصر بهجی بهائیان به آسانی می‌توانستند بحضور مبارک مشرف بشوند و هزاران نفر از آنان پیام مقدس حضرت بهاءالله را چه در داخل ایران و چه در کشورهای هم‌جوار بگوش مردم رساندند.

صعود حضرت بهاءالله در تاریخ ۲۹ می ۱۸۹۲ واقع شد. رمس مطهر آن حضرت در همان روز در اطافی که مجاور قصر بهجی می‌باشد به آرامش ابدی سپرده شد. این مکان که بنام روضه مبارکه مشهور است قبله‌گاه بهائیان دنیا و برایشان مقدس‌ترین مکان در روی زمین است.

قبل از مطالعه مختصر آثار حضرت بهاءالله بموقع است که نام و بعضی از القاب حضرت بهاءالله برای شنوندگان عزیز ذکر شوند.

نام مبارک میرزا حسینعلی و القابشان جمال مبارک، جمال قدم و جمال ابهاست.

آثار حضرت بهاءالله چه نازل از قلم آن حضرت و چه آنهایی که توسط منشی‌های ایشان ثبت شده رویهمرفته به پانزده هزار می‌رسد. بعضی از این آثار بصورت کتاب‌هایی مانند کتاب اقدس، کتاب ایقان و رساله ابن ذئب بوده و بقیه بصورت لوح و یا نامه نازل شده‌اند. صورت اصل کلیه این آثار مبارک در دارالآثار بین‌المللی واقع در حیفا محافظه می‌شوند. آثار مهمی که در ایام اقامت حضرتش در بغداد نازل شده‌اند عبارتند از کلمات مکنونه، هفت وادی، چهار وادی و کتاب ایقان. در ایام اقامت در ادرنه و سپس در عکا الواحی خطاب به پادشاهان و زمامداران مذهبی از قلم آن حضرت نازل شد. از جمله الواح مهمی که در عکا پس از نزول کتاب اقدس نازل شده و بعنوان متمم آن کتاب بشمار می‌روند می‌توان از الواح بشارات، اشراقات، تجلیات، طرازات، کلمات فردوسیه، لوح حکمت، لوح اقدس که خطاب به مسیحیان جهان است، لوح مقصود و لوح دنیا را نام برد.

آثار حضرت بهاء‌الله با همه عظمت و جلال خود با سرعتی عجیب و بدون اینکه هیچ یک از کلمات آن احتیاج به تغییر و تبدیل داشته باشند نازل شده، یا با قلم مبارک بروی کاغذ می‌آمد و یا توسط منشی نوشته می‌شد. در صورت منشی، بعد از چند روز حضرت بهاء‌الله منشی خود را احضار فرموده عین آیات نازل را چه یک صفحه و چه چندین صفحه تکرار می‌فرمودند تا منشی بتواند اشتباه یا قلم افتادگی نوشته‌هایش را تصحیح کند. آنوقت جمال ابهی با مهر خود آن لوح را زینت می‌بخشیدند. آثار حضرت بهاء‌الله به زبان فارسی در حد اعلای زیبایی و فصاحت نازل شده‌اند. آثار عربی آن حضرت نیز در نهایت بلاغت و کمال دیده می‌شوند و این در حالی است که حضرت بهاء‌الله زبان عربی را تحصیل نکرده بودند. وصیتنامه حضرت بهاء‌الله بنام کتاب عهدی مشهور است که ۹ روز پس از صعودشان باز شد و متن آن واضحاً حضرت عبدالبهاء را جانشین و مرکز عهد حضرت بهاء‌الله معین کرد.

فصل سوم تعالیم روحانی

قبل از اینکه مطالب مختلفه را تحت این عنوان بررسی کنیم لازم است بدانیم که حضرت ولی امرالله فرموده‌اند «حقایقی را که پیغمبران نازل می‌نمایند قطعی و تمام نیستند بلکه نسبی هستند»^۱ یعنی باندازه درک و فهم محدود بشر وقت نازل می‌شوند.

ماهیت خداوند:

بشر همواره به قدرتی مافوق خود ایمان داشته و در هر زمانی این قدرت را بنام معینی می‌شناخته است. نام‌هایی از قبیل خدا، یهوه، اهورامزدا، الله و گاد

۱ - کتاب نظم اداری: اثر حضرت ولی امرالله به انگلیسی، ص ۱۸۵

همگی مُعرفِ یک خدای بی‌همتا که خالق جهان است می‌باشد. ذات خداوند برای همهٔ پیامبران و مخلوقات پوشیده است ولی چون پیامبران مانند آئینه‌های پاک و مصفا هستند صفات خداوند را در خود منعکس می‌سازند. فقط از طریق شناسائی پیامبران و صفات آنان مانند عدالت، رحمت، محبت و بخشایش است که بشر قادر می‌شود خدا را بشناسد. همهٔ پیامبران الهی این نکته را گوشزد نموده‌اند که انسان بصورت و مثال خداوند خلق شده است. حضرت بهاءالله می‌فرماید که گرچه شناسائی خدا برای انسان مشکل است ولی خداوند از شاهرگ حیات به انسان نزدیک‌تر است.

مقام پیامبران:

پیامبران، مظاهر عهد الهی در بین نوع بشر بوده نشان آن هستند که خداوند هرگز نوع انسان را بدون راهنما نخواهد گذاشت. اگر خداوند را مانند خورشید تصور کنیم آنگاه روح انسانی مانند آینه‌ایست که انوار خورشید را خواهد توانست در خود منعکس کند. هر قدر این آئینه تمیزتر و شفاف‌تر باشد جلوهٔ نور آفتاب در آن شدیدتر و درخشان‌تر خواهد بود. مظاهر الهی، شفاف و صاف‌ترین آینه‌هایی هستند که نور خورشید را به حداکثر در خود منعکس می‌سازند. البته آنچه را که ما خدا می‌خوانیم آن ذات الهی نبوده بلکه آنست که پیامبران بما آموخته‌اند، یعنی صفات خدا. روح انسان در آغاز حیات جنینی خلق می‌شود ولی روح پیامبران نه آغاز دارد و نه انتها و به این جهت از حقایق و وقایع گذشته و آینده اطلاع دارند. آن ذات‌های مقدسه از لحاظ جسمانی مانند انسان بوده و همگی بندگان خداوند بشمار می‌روند ولی در موقع نزول آیات سخنگوی خدا بوده بمراتب برتر از انسان هستند. مقام روحانی همگی پیامبران یکسان است ولی تعالیمی که به بشر ارائه می‌دهند بعلت درک و فهم انسان در آن دورهٔ تاریخ

متفاوت است.

وحدت ادیان:

اکثر مردم عقیده دارند که همهٔ ادیان غلط و نادرستند بجز دین خودشان. حضرت بهاءالله می‌فرماید که اساس و پایهٔ دین خداوند یکی است ولی پیامبران مختلف زمان به زمان آن را به مردم آموخته‌اند. چرا باید پیامبران متعدد باشند؟ وقتی پیامبری از طرف خدا مبعوث می‌شود تعالیمی را که به عالم بشریت ارائه می‌دهد کاملاً صاف و عاری از هرگونه آلودگی است. به مرور زمان غبار اوهام و تصورات بشری روی آینه را کدر کرده چنان تیره و تار می‌سازد که حقیقت تعالیم گم می‌شود. بدین سبب ظهور جدیدی از جانب خداوند در بین بشر ظاهر می‌گردد.

هریک از مظاهر الهی دو نوع دستورات و تعالیم به عالم بشریت عنایت می‌فرمایند. **تعالیم روحانی** از قبیل محبت و برادری که جاودانی بوده، غیرقابل تغییر است و **تعالیم اجتماعی** که برطبق احتیاج و ظرفیت نوع بشر در آن دوره از تاریخ صادر می‌شود. ولی با گذشت زمان توسط پیامبر بعدی تغییر خواهد یافت و از این نظر این تعالیم با هم اختلاف دارند. پیامبران الهی آنچه را که می‌دانند نمی‌گویند بلکه آنچه را که قابل فهم و درک مردم آن روز است ارائه می‌دهند.

وظایف دوگانهٔ انسان:

در ابتدای کتاب اقدس حضرت بهاءالله می‌فرماید که اول وظیفهٔ هر فرد شناسائی مظهر حق است و سپس اطاعت از دستورات او. انجام هیچیک از این

دو بدون دیگری قابل قبول نیست. در ادیان قبل فقط شناسائی مظهر الهی کافی بود ولی از این نظر تعالیم حضرت بهاءالله تفاوت دارد. ناگفته نماند که بعضی عقیده دارند که فقط انجام عمل خوب کافی است و احتیاجی به شناسائی پیامبران نیست. اینهم با تعالیم بهائی مغایرت دارد.

برای اطاعت و اجرای دستورات مبارک، جمال قدم در کتاب اقدس می‌فرمایند *اعملو حدودی حُباً لجمالی* یعنی تعالیم مرا بخاطر عشق و محبتی که بمن دارید انجام بدهید. تعالیم حضرت بهاءالله بجای آن که انسان را محدود به حدودی نماید او را از هر قید و بندی آزاد می‌سازد. سر آن تسلیم و رضا به اراده الهی است.

باید خاطر نشان بشود که اگر در موقع مطالعه آثار به مطلبی برخوردید که قبولش برای شما سخت بنظر بیاید، اعتراض نکرده محدودیت فهم خود را فراموش نکنید. چه بسا که با مطالعه و تعمق بیشتر مفهوم مطلب واضح و روشن می‌شود. بعبارت دیگر باید به علم و حکمت الهی اطمینان داشت.

تخری حقیقت:

معنای ساده این عنوان، جستجوی آزادانه بدنبال حقیقت است. در گذشته اساس ایمان و اعتقاد مردم وابستگی به اعتقادات پدر و مادر، دوستان و روحانیون - اشت و به همین علت عقاید دینی کورکورانه و بدون هیچ سؤال و گفتگو در ذهن افراد جایگزین می‌شد. حضرت بهاءالله تأکید می‌فرمایند که هر نفسی باید بدون آنکه تحت تأثیر افکار و عقاید سایرین قرار گیرد شخصاً حقیقت را جستجو کرده به نتیجه برسد. شرط به نتیجه رسیدن شجاعت، انقطاع و آزادی از هرگونه تعصب است. انقطاع یعنی خود را آزاد کردن از عشق و علاقه، انزجار و بستگی داشتن به اموری مانند علم و دانش و ثروت و مال است. تقلید

روزنه‌های یاد

کورکورانه که از قدیم در هر جامعه‌ای رایج بوده، همواره سبب نفاق و جدائی و سوء تفاهم بین افراد بشر می‌شده است. حقیقت حقّ یکی است. از هر طرف که آزادانه آن را جستجو کنیم به شاهراهش راهنمایی خواهیم شد.

فداکاری:

فداکاری نشانه عشق است. پیامبران الهی بخاطر عشقی که به عالم انسانی داشتند راحتی و زندگی خود را فدا نمودند. بر هر فرد بهائی واجب است که برای شناختن حضرت بهاءالله سعی کامل کند زیرا هر قدر او را بهتر و بیشتر بشناسیم محبت او در قلب ما شدیدتر شده ما را برای اطاعت از او آماده می‌سازد. مفهوم فداکاری فقط فدا کردن جان نیست بلکه فدا کردن خواسته‌ها و هوس‌های شخصی، ایثار وقت و نیرو و تبرّع مال نیز فداکاری محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر زندگی کردن بر طبق تعالیم دیانت بهائی، خدمت و تبلیغ می‌توانند نشانه‌ای از عشق و محبت یک مؤمن به حضرت بهاءالله باشند. عدم اعتنا به موارد ذکر شده سبب سردی و دورافتادگی می‌شود.

تلاوت و مطالعه آثار حضرت بهاءالله:

یکی از تعالیم حضرت بهاءالله آنست که آیات و کلماتشان را هر صبح و شام تلاوت نمائیم. این تلاوت باید با نهایت توجه و تفکر انجام گیرد و به اندازه‌ای باشد که سبب خستگی و ملال نگردد. زیارت و تلاوت مناجات‌های نازله از قلم حضرت اعلی، حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله دارای اثر و قدرت مخصوص است. ادعیه نازله برای تضرّع و تبّتل به بارگاه الهی است ولی الواح مبارکه آنانند که

حضرت بهاء‌الله به بندگانشان خطاب کرده‌اند.

مطالعه آثار به منظور ازدیاد معلومات و تقویت ایمان شخص است. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند: «خود را در دریای بیان من غرق نمائید تا به جواهرات حکمت و اسراری را که در آنها نهفته است دست یابید.»^۱

دعا و مناجات، تلاوت و مطالعه آثار الهی هنگامی پسندیده است که با عمل توأم باشد. هر فرد مجاز است که با مطالعه آثار نتایج شخصی بدست آورد مشروط بر اینکه این نتایج با تفسیر حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله و توضیحات بیت‌العدل اعظم مخالفت و مغایرتی نداشته باشد. باید مراقب بود که به هیچوجه این نتایج شخصی را به سایرین تحمیل نکرد و سبب اختلاف و مجادله نشد. حضرت بهاء‌الله مناظره و مجادله را که در ادیان قبل مرسوم بود و نتیجه آن اختلاف و انشقاق می‌شد از میان برداشته‌اند و تأکید می‌فرمایند که در موقع مجادله و مناظره در هر موردی، هر دو طرف در اشتباه هستند.

کار به منزله عبادت:

در دیانت بهائی کاری که در نهایت خلوص و بمنزله خدمت انجام پذیرد عبادت محسوب می‌شود و شغل انسان از دین او جدا نیست. اشتغال بکار، امر شده، بیکاری و تنبلی رانهی فرموده‌اند. در باره شغل‌هایی که دستمزدی برای آن مقرر نشده مانند کارِ خانه‌داری، دستخطی از بیت‌العدل اعظم موجود است که طی آن می‌فرمایند: «شغلِ خانه‌داری یکی از شریفترین و پُرمسئولیت‌ترین

۱ - مضمون بیان مبارک از کتاب «منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، انگلیسی شماره ۷۰».

روزنه‌های یاد

مشغله‌هاست که دارای اهمیت حیاتی در عالم بشریت می‌باشد^۱. هرکس که قدرت بدنی دارد باید کار کند و هرکس باید کار خود را در نهایت صمیمیت انجام دهد زیرا بمنزله عبادت است. با در نظر گرفتن و اجرای این نکات شک نیست که وضع دنیا خیلی بهتر خواهد شد.

زندگی پس از مرگ:

در هنگام مرگ جسم، روح باقی و برقرار می‌ماند. جسم انسان بمنزله آئینه است و ارتباط روح با آن مانند انعکاس آفتاب در آئینه. با شکستن آئینه نور بجای خود باقی است. در ایام زندگی، بدن بصورت میزبانی برای رشد و تقویت روح می‌باشد تا آن را برای ورود در جهان بعد آماده نماید. بهمان صورت که رحم مادر محلی برای رشد و نمو جنین است تا در آنجا اعضای بدن خود را کامل سازد، بدن نیز برای روح همان وظیفه را انجام می‌دهد. در حالی که جنین از چگونگی این جهان اطلاعی ندارد ولی خداوند از راه لطف و مرحمت خود با فرستادن پیامبران زندگی ابدی را برای ما توضیح می‌دهد.

روح انسان پس از مرگ بدون آنکه قفس جسم مانع آن باشد به آزادی در عوالم الهی پرواز آمده به پیشرفت خود ادامه می‌دهد. این تعلیم بهائی عقیده‌ای را که می‌گوید روح در سیر تکاملی خود چندین بار در جسم دیگری حلول می‌کند، بکلی رد می‌نماید. دعا و خیرات در حق درگذشتگان به ترقی و تعالی ارواح آنان کمک می‌کند.

۱ - جمع آوری دایره تحقیق بیت‌العدل اعظم تحت عنوان «زنان»، شماره ۳۷.

فصل چهارم

تعالیم اجتماعی

باگذشت زمان، دنیای امروز احتیاج خود را به تعالیم دیانت بهائی که بیش از یک قرن پیش ظاهر شده احساس می‌کند.

وحدت عالم انسانی:

حضرت بهاءالله که معلم الهی برای دنیای امروز یعنی دوره بلوغ عالم بشریت هستند، وحدت عالم انسانی را، محور اصلی برای تعالیم اجتماعی این دیانت قرار داده‌اند. این وحدت شامل معانی مختلف است.

اول آنکه، کلیه انسان‌های جهان عضوی از خانواده بشری بوده و توسط یک خداوند که همه آنها را به یک اندازه دوست دارد خلق شده‌اند. دیگر آنکه هر انسان چه مرد، چه زن، چه سیاه و چه سفید، دارای روحی است که قادر است به میزان ظرفیت خود تا اندازه‌ای کمالات و صفات خداوند را در خود منعکس سازد. سومین معنی اینست که ما باید انتظار خدای یکتا را از خلق بشر دریافته

روزنه‌های یاد

برای بوجود آوردن اتحاد بین بشر بکوشیم تا فقر و گرسنگی، جنگ و فلاکت ریشه کن شوند و ملکوت الهی در روی زمین استقرار یابد.

اهمیت خانواده:

امروز مردم افکار و برداشت‌های مختلفی در باره هدف و اهمیت خانواده دارند. حضرت بهاء الله می‌فرماید که خانواده اساس کلی و محور اصلی اجتماع را تشکیل می‌دهد. اگر جامعه‌ای دارای خانواده‌های سالم، متحد و روحانی نباشد، آن جامعه از سلامت برخوردار نیست.

زندگی خانواده از بهم پیوستن یک زن و یک مرد بوجود می‌آید. هدف اصلی ازدواج تولد و تربیت اطفال است. حضرت بهاء الله می‌فرماید: «ای قوم، ازدواج کنید تا از شما افرادی ظاهر شوند و مرا در بین بندگان ذکر نمایند.»^۱

تربیت و تحصیل اطفال از مهم‌ترین وظایف والدین است. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: «هرکس در این وظیفه غفلت کند در بارگاه خدا مسئول خواهد بود.»^۲

ترک تعصبات:

تعصّب یعنی آنکه کسی قبل از دانستن حقیقتِ مطلبی در باره آن قضاوت

۱ - مضمون فارسی آیه ۶۳ در کتاب اقدس.

۲ - مضمون فارسی از منتخباتی از آثار حضرت عبدالبهاء، ص ۱۲۷ انگلیسی.

کند. بدتر از آن شخصی است که با وجود واضح شدن حقیقتِ مطلب، از قبول آن خودداری کند. تعصب در موارد مختلفی مثل جنسیت، نژاد، ملیت، دین، ثروت و فقر نشان داده می‌شود. احساس تعصب اغلب زائیده جهالت و ترس است. این دو عامل باعث می‌شوند که شخص برای محافظت خود، دیواری از تعصب در اطراف خود بکشد و متأسفانه چنین دیوارها عامل اصلی ظلم و بی‌عدالتی شده‌اند. تعصبات دینی و نژادی همیشه سبب جنگ و خونریزی بوده و خواهند بود مگر آنکه عالم انسانی از خواب غفلت بیدار شده به تعالیم حضرت بهاءالله توجه سازد، چه که می‌فرمایند: «بدانید چرا شما را از خاک آفریدیم تا هیچیک از شما بر دیگری تکبر و تفاخر ننماید.»^۱ و نیز می‌فرمایند: «با پیروان سایر ادیان در کمال روح و ریحان معاشرت کنید.»^۲ جلسات بهائی بهترین نمونه وحدت در کثرت هستند.

تطابق علم و دین:

در این جهان دو قدرت عظیم وجود دارند یکی علم و دیگری دین است. هر یک از این دو شاهرهای بسوی حقیقت بوده سبب ترقی عالم انسان می‌شوند. حضرت بهاءالله می‌فرماید علم واقعی و دین حقیقی با یکدیگر مطابقت کامل دارند و چون حقیقت یکی است نمی‌توانند با هم مغایرت داشته باشند. اگر در مواردی این توافق و تطابق دیده نشود بعلت آنست که انسان هنوز به حقیقت آن مطلب کاملاً پی نبرده است و باز می‌فرمایند که اگر عقاید دینی با حقایق علمی و

۱ - مضمون فارسی از کلمات مکنونه عربی. شماره ۶۸.

۲ - مضمون فارسی از «منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله». شماره ۴۳.

عقلی توافق نداشته باشد آن عقاید خرافات است و اگر کشفیات علمی اصول اخلاقی و روحانی را نادیده بگیرد سبب ویرانی عالم خواهد شد.

ممکن است بعضی از تعلیمات بهائی برای فردی واضح نبوده قبولش دچار اشکال گردد. در چنین موردی باید به حکمت و معرفت الهی اطمینان ورزیده، این بیان حضرت بهاء‌الله را در کتاب اقدس فراموش نکنیم. می‌فرماید: «کتاب الهی را با موازین معمول و علمی که در بیتتان رایج است ارزشیابی نکنید زیرا این کتاب خود، میزانی مصون از خطاست که بین مردم ظاهر شده است.»

صلح جهانی:

حضرت بهاء‌الله بر طبق پیشگویی‌های ادیان قبل نقشه الهی را برای بوجود آوردن صلح جهانی به عالم انسان هدیه فرموده‌اند. می‌فرماید صلح جهانی در دو مرحله بوجود خواهد آمد. ابتدا دوره **صلح اصغر** خواهد بود که در طی آن جنگ‌ها و خونریزی‌ها پایان خواهد رسید و حکومت‌های جهان در امور سیاسی با هم متحد خواهند شد. در این مرحله جهان مانند جسدی فاقد از روح خواهد بود. هنگامی که بهائیان جهان نفس حیات را که عبارت از عشق حضرت بهاء‌الله است بر آن بدمند، آنگاه از خواب غفلت بیدار شده دوره **صلح اکبر** و یا عصر طلایی آغاز خواهد شد. در آن موقع است که جهان از لحاظ سیاسی، اقتصادی و روحانی متحد خواهد شد. هرکدام از ما با بعمل گذاردن تعالیم حضرت بهاء‌الله در زندگی خود می‌توانیم سهم خود را در استقرار صلح جهانی ادا کنیم.

تعلیم و تربیت عمومی:

آموزش و تعلیم خواندن و نوشتن مهم‌ترین عاملی است که انسان را به تحقیق و جستجو درباره حقیقت قادر می‌سازد و در نتیجه از احتیاج به کمک و راهنمایی سایرین رهائی می‌دهد. البته این به آن معنا نیست که مردم نباید با یکدیگر مطالعه و مشاوره کنند. چون تعلیم و تربیت عامل مهمی در ترقی افراد و پیشرفت اجتماع بشمار می‌رود تحصیل علوم باید با تربیت اخلاقی و روحانی همراه باشد. پدر و مادر مسئول تعلیم و تربیت اطفالشان هستند ولی اگر بعللی قادر به انجام این امر نباشند جامعه باید مسئولیت آن را بعهده گیرد. حضرت بهاءالله می‌فرمایند: «انسان را بمشابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما، به تربیت، جواهر آن بعرضه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد.»^۱

تساوی حقوق مرد و زن:

در قرن گذشته حضرت بهاءالله قانون رابج در جهان را که برطبق آن محرومیت زنان از خیلی چیزها بخصوص تعلیم و تحصیل معمول بود از میان برداشتند. با محرومیت از حق، زنان همواره در سطح پائین‌تر از مردان قرار می‌گرفتند. برطبق تعالیم بهائی مرد و زن در نظر خداوند یکسان هستند. در دستخطی از بیت‌العدل اعظم چنین آمده است: «تساوی مرد و زن با تأیید علم زیست‌شناسی آن نیست که مرد و زن یک نوع انجام وظیفه کنند و از این

۱ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۲۲.

جهت ممکن نیست.»^۱

در مورد کسب تعلیم و تربیت در دیانت بهائی زنان ارجحیت دارند زیرا آنان مسئول تربیت نسل آینده بشمار می‌روند. در مورد عضویت بیت‌العدل اعظم حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: «برطبق لوحی که از حضرت عبدالبهاء موجود است عضویت بیت‌العدل اعظم منحصر به مردان است و حکمت آن در آینده معلوم خواهد گردید. ولی در مورد عضویت در محافل محلی و ملی زنان مانند مردان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند. احباء باید با اطمینان و اتکاء به ایمان قوی خود آن را بپذیرند. حکمت الهی در این امر کم کم برای جهانیان آشکار خواهد شد.»^۲

حل روحانی مسائل اقتصادی:

افراط در ثروت و فقر که امروز دیده می‌شود عادلانه نیست. حضرت بهاءالله در کتاب کلمات مکنونه می‌فرمایند: «شریفترین و عزیزترین صفات در نزد من عدل و انصاف است. اگر مرا می‌خواهی از آن دور نشو.»^۳

ساده‌ترین راه حل مسائل اقتصادی تقلیب قلوب است. وقتی که قلب انسان به عدالت و انصاف رو کند و وقتی که کارگر کار خود را بمنزله عبادت انجام دهد مجادله و اعتصاب از بین خواهد رفت. در هر حال کارگر و کارفرما باید با همدیگر مشاوره و همکاری کنند. کارگران باید در منافع کارخانه شریک و

۱ - جمع آوری دایره تحقیق بیت‌العدل اعظم تحت عنوان «زنان»، شماره ۳۰ (انگلیسی).

۲ - جمع آوری دایره تحقیق بیت‌العدل اعظم تحت عنوان «زنان»، شماره ۳۰ (انگلیسی).

۳ - مضمون فارسی کلمات مکنونه عربی، شماره ۲.

سهیم باشند. اگرچه تساوی کامل اقتصادی ممکن نیست ولی جنبه افراطی آن باید از میان برداشته شود. در سراسر جهان حرص و طمع باید جای خود را به همکاری و تشریک مساعی در بهره‌برداری از جمیع منابع و معادن جهان بدهد.

زبان بین‌المللی:

این دستور حضرت بهاءالله که بیش از صد سال پیش صادر شد مهم‌ترین وسیله تفاهم و هم‌آهنگی بین مردم جهان را تشکیل می‌دهد. برطبق این تعلیم الهی باید یا از بین زبان‌های مختلف یک زبان را انتخاب کرد و یا زبانی تازه را ایجاد کرد و آن را در مدارس دنیا تعلیم بدهند. ایجاد خط و زبان بین‌المللی در دو مرحله اجراء خواهد شد. در مرحله اول این زبان و خط علاوه بر زبان مادری به اطفال جهان تعلیم خواهد شد. مرحله دوم که در آینده دوری است هنگامی است که در تمام جهان فقط یک خط و زبان رایج گردد.

فصل پنجم

قوانین بهائی

بعضی از قوانین بهائی در ادیان بزرگ گذشته دیده شده و بعضی از آنها جدید هستند. بمرور زمان که شرایط اجتماعی در جهان عوض می‌شود و عالم انسانی بدوره بلوغ خود نزدیک می‌گردد باید قوانین جدیدی وضع شوند. حضرت بهاءالله به بیت‌العدل اعظم اجازه و اختیار تام داده‌اند که قوانین لازمه جدید و آنچه را که از قلم حضرت بهاءالله نازل نشده وضع کنند. بیت‌العدل مجاز است که قوانینی را که خود وضع نموده لغو کرده و یا تغییر دهد ولی به هیچوجه نمی‌تواند در قوانین حضرت بهاءالله تغییری دهد یا در جایش قانون دیگری وضع کند.

قوانین بهائی بر دو نوع است. قوانینی مانند نماز و روزه مسئولیتی شخصی بوده بنا به درجه تعلق و محبت شخص نسبت به حضرت بهاءالله انجام می‌گیرند و هیچکس یا هیچ مؤسسه‌ای حق نظارت و مداخله در آن را ندارند. قوانین دیگر از قبیل ازدواج و طلاق در تحت نظر تشکیلات بهائی بمورد اجراء گذارده می‌شود.

کتاب اقدس که ضروری‌ترین کتاب در هر خانواده بهائی است در سال ۱۸۷۳ به زبان عربی از قلم حضرت بهاء‌الله نازل شده است و ترجمه انگلیسی آن که سرچشمه ترجمه به زبانهای مختلف خواهد شد در سال ۱۹۹۳ انتشار یافت. بسیاری از قوانین این کتاب مقدس شامل حال احبای ایرانی می‌گردد. در مغرب زمین هنوز آمادگی اجرای بعضی از این قوانین وجود ندارد، بمرور زمان و با آمادگی روحانی احبای غرب بیت‌العدل اعظم قوانین بیشتری را به آنها خواهند داد. هموطنان حضرت بهاء‌الله که در غرب زندگی می‌کنند باید از قوانینی که به ایرانیان داده شده اطاعت نمایند. البته بعلت محدودیت وقت فقط بعضی از این قوانین را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

نماز:

نماز که یکی از قوانین مهم دیانت بهائی است یک وظیفه خصوصی بوده، با شرایط کامل باید اجرا شود. این شرایط عبارتند از گرفتن وضو و ایستادن بسوی قبله. قبله اهل بهاء روضه مبارکه یعنی مقام حضرت بهاء‌الله واقع در عکامی باشد. هر شخصی باید در شبانه‌روز حداقل یکی از نمازهای سه‌گانه را ادا کند. نماز کوچک، باید بین ظهر و غروب تلاوت شود. نماز وسطی روزی سه بار تکرار می‌شود که زمان آن عبارتست از هنگام طلوع آفتاب تا ظهر، از ظهر تا غروب آفتاب و بار سوم از غروب آفتاب تا دو ساعت پس از آن. نماز بزرگ را می‌توان در هر موقعی از شبانه‌روز تلاوت کرد. روزی یک بار باید الله‌ابهی را ۹۵ دفعه تکرار کرد. وضوی نماز را می‌توان برای گفتن الله‌ابهی محسوب کرد ولی اگر تکرار الله‌ابهی در موقع دیگری گفته شود وضوی متعلق به آن باید انجام گیرد. نماز وظیفه‌ایست روحانی که از هنگام بلوغ در سن پانزده سالگی تا سن هفتاد سالگی برای هر فرد بهائی واجب است. برای اطلاع بیشتر در باره نماز به کتاب

روزه:

حضرت عبدالبنه‌اء می‌فرمایند که نماز و روزه سبب بیداری و هوشیاری بوده و وسیله‌ایست برای حفظ از امتحانات و لغزش‌ها. حالت روحانی شخصی که روزه می‌گیرد بسیار اهمیت دارد. خودداری از خوردن و نوشیدن در ایام روزه ما را یاد آور می‌شود که ما علاوه بر موجودیت جسمانی دارای موجودیت روحانی نیز می‌باشیم. ایام روزه برای پاک کردن خود از هوس‌ها، خودخواهی‌ها، تعصبات و سایر ناپاکی‌ها است و فرصتی به ما می‌دهد تا برای ارشاد و تقویت حیات روحانی خود به تفکر و اندیشه پردازیم. ایام صیام یعنی روزهای روزه در هر سال از دوّم تا بیستم ماه مارچ ادامه می‌یابد. در ساعات روزه که از هنگام طلوع آفتاب تا غروب آن است باید از خوردن، آشامیدن و سیگار کشیدن خودداری نمود. روزه یک فریضه روحانی برای شخص بهائی است و حکم آن از سن بلوغ تا ۷۰ سالگی است. مسافر، مریض و زنان باردار و شیرده از گرفتن روزه معاف هستند. اگر کسی بعلتی از روزه معاف است بهتر است حرمت ایام روزه را نگه داشته و در ملاء عام از خوردن و نوشیدن اجتناب کند. برای دست یافتن به جزئیات حکم روزه به کتاب اقدس مراجعه فرمائید.

حقوق الله:

حقوق الله به معنی حق خداوند می‌آید و با اعاناتی که داوطلبانه به صندوق‌های بهائی داده می‌شوند تفاوت کلی دارد. حقوق الله جنبه مادی یک وظیفه روحانی است که هیچکس و هیچیک از تشکیلات بهائی حق تحمیل آن

را به شخص بهائی ندارد. در این مورد حضرت بهاءالله آن را وابسته به ایمان و وجدان شخص نموده، در ضمن می‌فرماید: «ای قوم به حقوق‌الله خیانت نکنید.» و نیز می‌فرماید که پرداخت حقوق‌الله سبب خیر و برکت برای شخص دهنده خواهد شد. مثال این بیان مبارک درختی است که آب و غذای خود را از زمین گرفته هر سال باریختن برگ‌های خود به زمین اولاً علف‌های هرزه اطراف خودش را از بین می‌برد و دوماً این برگها بصورت کود، ریشه‌های درخت را تقویت می‌کنند. برای زمین فرقی نمی‌کند که درخت برگهایش را بروی آن بریزد یا نه. وقتی که ثروت خالص شخص به معادل بهای نوزده مثقال طلا برسد، نوزده در صد آن را باید به امین صندوق حقوق‌الله تقدیم کرد تا از طریق او به بیت‌العدل اعظم فرستاده شود.

برای اطلاعات بیشتر در این باره لطفاً به کتاب اقدس و نیز جزوه‌هایی که در این خصوص تهیه شده‌اند مراجعه فرمائید.

ازدواج و طلاق:

ازدواج تعهدی است که بین مرد و زن بسته شده، رابطه‌ایست هم جسمانی و هم روحانی. ازدواج باید براساس محبت، اتفاق، دوستی و احترام متقابل استوار گردد. وحدت و وابستگی روحی طرفین پایداری ازدواج را تأمین خواهد کرد. در ازدواج بهائی فقط رد و بدل حلقه شرط نیست بلکه مهم‌تر از آن، رضایت کامل طرفین و پدر و مادرشان لازم است. حتی اگر یکی از طرفین بهائی نباشد اجرای این شرط ضروری است. طی مراسم عقد، عروس و داماد در حضور دو شاهد که مورد قبول یک محفل روحانی باشند، هریک جمله‌ای را بیان می‌کند. داماد می‌گوید «إِنَّا كُلُّ لِلَّهِ رَاضِيُونَ» و عروس می‌گوید «إِنَّا كُلُّ لِلَّهِ رَاضِيَاتٌ». هر دو جمله بیک معنی بوده و مفهوم آن بفارسی چنین است: «بدرستی که ما به

روزنه‌های یاد

اراده خداوند راضی هستیم.»

طلاق در نظر حضرت بهاءالله ناپسندیده و مکروه است ولی اگر تنفر و ناسازگاری شدید بوجود آید پس از یکسال تربص یعنی صبر کردن، محفل روحانی اجازه طلاق را صادر می‌کند. در طی این یکسال باید طرفین سعی کنند که اختلافات خود را از میان بردارند و در این یکسال به هیچوجه اجازه آشنائی و رفت و آمد با شخص جدیدی را ندارند.

منهیات دیانت بهائی:

- قوانین بهائی بمنظور بوجود آوردن نظم اجتماعی جدیدی است که طی آن آزادی شخصی و اجتماعی تضمین گشته است. اعمال نهی شده عبارتند از:
- مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر که باعث زائل شدن عقل و حواس می‌گردند، مگر آنکه به دستور طبیب تجویز شوند.
 - قمار، غیبت و افترا.
 - داشتن روابط جنسی در خارج از حریم ازدواج و همجنس‌بازی.
 - عضویت در کلیساها و مؤسسات دینی سایر ادیان.
 - اعتراف به گناهان خود در مقابل شخص دیگر بمنظور بخشش و آمرزش.
 - اعمال جنائی از قبیل قتل، به آتش زدن و دزدی. جزای این اعمال در کتاب اقدس ذکر شده است.

وصیت نامه و مراسم تدفین:

هر بهائی موظف است وصیتنامه‌ای بنویسد. باید در آغاز آن اعتراف به حقانیت حضرت بهاءالله و ایمان خود نماید و عنوان *هوالبهی الابهی* مبنی بر

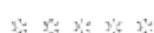
این اعتراف بوده زینت مبارکی است برای وصیت‌نامه.

اگر شخصی وصیت‌نامه نداشته باشد اموال او با اجازه قانون مملکتی برحسب کتاب مستطاب اقدس تقسیم خواهد شد. جسد متوفی نباید سوزانده شود و محل دفن باید بیش از یکساعت تا محل مرگ متوفی فاصله داشته باشد. این یکساعت فاصله می‌تواند از راه هوا، دریا و یا خشکی باشد.

در باره مومیائی کردن که در ممالک غرب معمول است حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: «تحت قوانین بهائی بدیهی است که جسد نباید مومیائی شود.» نماز میت تنها نمازیست در دیانت بهائی که به حالت اجتماع ادا می‌شود و قبل از دفن جسد صورت می‌گیرد. در حالی که همه حاضرین ایستاده‌اند یک نفر آن نماز را می‌خواند، اما تکرار هیچ قسمت آن توسط حاضرین لازم نیست. در باره انگشتر مخصوص و سایر مراسم تدفین لطفاً به کتاب اقدس مراجعه فرمائید.

اطاعت از حکومت:

بهائیان نقش حکومت را در نظم اجتماع قبول کرده احترام می‌گذارند. در هر کشوری که ساکن هستند باید از حکومت آن کشور اطاعت کنند مگر آنکه حکومت از آنها بخواهد که ایمان خود را به امر بهائی انکار کنند. بهائیان به هیچ‌گونه حزب سیاسی وابستگی ندارند زیرا باعث از بین رفتن اتحاد و اتفاق بین خودشان خواهد گردید. وظیفه بهائیان آن نیست که سیستم کهنه را تغییر داده یا از میان بردارند، بلکه مأموریتشان ساختن نظم جدیدی است که خود بخود جانشین سیستم قدیمی و از کار افتاده جهان گردد.



فصل ششم

تشکیلات بهائی

عهد و میثاق حضرت بهاءالله:

حضرت بهاءالله فرموده‌اند که هرگز پیروان خود را تنها و بدون راهنما نخواهند گذارد. متأسفانه در ادیان قبل تفسیراتی را که پیروان بعد از وفات پیامبر، از کتاب مقدس خود بعمل می‌آوردند باعث انشقاق شده فرقه‌های مختلف بوجود می‌آمدند. البته هر فرقه ادعا دارد که تنها گروهی است که حقیقت را دریافته و راه مستقیم به خدا دارد. حضرت بهاءالله می‌فرمایند عهد و پیمان مانند ریسمانی است که انسان را بخدا مربوط می‌سازد. ایشان در وصیتنامه خود به نام کتاب عهدی حضرت عبدالبهاء را مرکز میثاق معین فرمودند. حضرت عبدالبهاء نیز به نوبه خود نوبه ارشدشان، حضرت شوقی ربّانی را به ولایت امرالله تعیین فرمودند. حضرت ولی امرالله در برقراری نظم و تشکیلات بهائی شبانه‌روز کوشیدند و ۶ سال پس از صعودشان در سال ۱۹۶۳، در اختتام نقشه ده ساله،

اعضای بیت‌العدل اعظم با شرکت ۵۶ محفل ملی آن زمان انتخاب شدند. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: «بیت‌العدل اعظم در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی بوده و مصون از خطا است.»^۱ حضرت بهاء‌الله قول داده‌اند که روح مبارکشان بیت‌العدل اعظم را راهنمایی کرده و بدین جهت همواره از هر خطا مصون است و اطاعت از بیت‌العدل، اطاعت از خدا است.

بیت‌العدل اعظم:

دستور ایجاد نظم جدید بهائی بقلم حضرت بهاء‌الله نازل شد. در طول تاریخ، سیستم‌های مختلف اداری که توسط بشر بوجود آمده، تمایل زیادی به سوءاستفاده از قدرت و فساد را نشان داده‌اند. در سال ۱۸۷۳ حضرت بهاء‌الله اساس تشکیل بیت‌العدل‌های اعظم و محلی را در کتاب اقدس بنا فرمودند. یکی از بزرگ‌ترین وظایف بیت‌العدل اعظم وضع قانون است ولی اجازه ندارد که قوانین صریح کتاب اقدس را تغییر دهد. مسئولیت دیگرش جواب سئوالات و حل مشکلات جامعه بهائی است. بدین ترتیب اتحاد و اتفاق بین احبا تضمین شده و پایدار خواهد ماند.

دیگر از وظایف بیت‌العدل اعظم سرپرستی محافل ملی، ترجمه و انتشار آثار مبارکه و تشکیل مرکز جهانی بهائی می‌باشد. دارالتبلیغ بین‌المللی و دایره تحقیقات که اعضای آنها از جانب بیت‌العدل منصوب می‌شوند، بیت‌العدل اعظم را در اجرای مسئولیت‌های مختلفه کمک می‌نمایند. بیت‌العدل محلی که در کتاب اقدس ذکر شده است امروزه به نام محفل روحانی محلی معروف است و

۱ - الواح وصایای حضرت عبدالبهاء، ص ۱۴ (انگلیسی).

در زیر آن عنوان بررسی خواهد شد.

محفل روحانی ملی:

تأسیس محفل ملی بدستور حضرت عبدالبهاء صورت گرفت. یکی از وظائف عمده این محافل در هر ۵ سال، انتخاب ۹ نفر اعضای بیت‌العدل اعظم است. اعضای محفل ملی هر کشور سالی یکبار توسط نمایندگان جامعه از سرتاسر کشور انتخاب می‌شوند. انتخابات محافل در عید رضوان که سالگرد اظهار امر حضرت بهاء‌الله است صورت می‌گیرد. در بعضی از نقاط جهان به تصمیم بیت‌العدل اعظم، بجای محفل ملی و یا بعلاوه محفل ملی، محفل روحانی ناحیه‌ای تشکیل می‌شود. از جمله مسئولیت‌های محفل ملی اداره صندوق ملی بهائی، عضویت افراد در جامعه، املاک بهائی و انتشارات است.

محفل روحانی محلی:

این محفل نزدیکترین واحد تشکیلاتی به افراد بهائی است. همانطور که ذکر شد حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس از آن بعنوان بیت‌العدل محلی نام می‌برند ولی فعلاً بنام محفل روحانی محلی شناخته می‌شود. از آنجائی که در دیانت بهائی طبقه کشیش و ملاً وجود ندارد محافل محلی وظایفی را که در ادیان قبل این طبقه برعهده داشتند انجام می‌دهد. نه نفر اعضای این محفل مستقیماً از جانب بهائیان آن شهر انتخاب می‌شوند. حضرت عبدالبهاء در باره این محافل می‌فرماید: «از آنها چشمه حیات بهر سو جاری می‌شود. آنها منبع پیشرفت و

ترقی بشر در هر زمان و تحت هر شرایطی بشمار می‌روند.^۱ مسئولیت رشد روحانی هر جامعه بر عهدهٔ محافل گذارده شده است. رشد روحانی عبارت است از امور مربوط به تبلیغ، تعلیم و تربیت اطفال و بزرگسالان، ازدواج، طلاق، مراسم تدفین و برگزاری جلسات ضیافت ۱۹ روزه و ایام متبرکه که حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: «رابطهٔ احباء با محفل محلی باید مثل رابطهٔ فرزند با پدر و مادر باشد.»^۲

اطاعت از مؤسسات بهائی:

هیچ فرد بهائی نباید و نمی‌تواند خود را برتر از مقام محفل محلی بداند و هیچ عذری برای عدم اطاعت از اوامر محفل قابل قبول نیست. افراد مجاز هستند که در بارهٔ مطلبی از محفل سؤال کنند و یا تقاضای تجدیدنظر نمایند و اگر به رأی محفل راضی نبودند می‌توانند مسئله را به محفل ملی و حتی بیت‌العدل اعظم ارجاع نمایند ولی در طی آن مدت باید دستورات محفل را بدون تأمل اطاعت نمایند. حضرت ولی امرالله تأکید فرموده‌اند که احبا باید مطمئن باشند که اگر از دستور محفل اطاعت کنند خداوند خطاها را درست و جبران خواهد کرد.^۳

۱ - مضمون فارسی بیان مبارک از کتاب *Compilation of Compilations*، جلد دوم، ص ۳۹ (انگلیسی).

۲ - مضمون فارسی بیان مبارک از کتاب *Compilation of Compilations*، جلد دوم، ص ۳۹ (انگلیسی).

۳ - مضمون فارسی از کتاب *Compilation of Compilations*، جلد دوم، ص ۵۸

روزنه‌های یاد

در دیانت بهائی برخلاف مؤسسات معمولی وقتی یک فرد به عضویت محفل و بعد به سمت رئیس و یا منشی محفل انتخاب می‌شود بر سایر احبا مقام و نفوذ مخصوصی نخواهد داشت. تصمیمات محفل که پس از مشورت با اعضاء اتخاذ می‌گردد باید مورد قبول و احترام احباء واقع شود.

برای انتخاب اعضای محافل، وفاداری به حضرت بهاء‌الله و امر بهائی، صمیمیت بدون تظاهر، عقل، کفایت و تجربه کافی باید در نظر گرفته شوند. دارائی، نژاد، درجات تحصیلات و رفاقت نباید تأثیری در انتخابات محفل داشته باشد.

مشورت:

مشورت که اساس هر نوع تصمیم‌گیری را تشکیل می‌دهد بفرموده حضرت عبدالبهاء باید با روحانیت انجام گیرد. در مشورت باید اولاً حقایق مربوطه را جمع‌آوری نمود و سپس در نظر گرفت که کدامیک از تعالیم الهی شامل آن مطلب می‌گردد و سپس در باره آن مطلب به بحث و گفتگوی صمیمانه پرداخت. بفرموده حضرت عبدالبهاء «از تصادم افکار مختلفه جرقه درخشان حقیقت حاصل می‌گردد.»^۱ پس از بحث و مشورت اگر اتفاق آراء بدست نیامد با رأی اکثریت تصمیم گرفته شده و آن تصمیم را همه افراد آن جامعه و حتی کسانی که رأی مخالف دادند باید اطاعت کنند. مخالفین و یا موافقین به هیچوجه حق ندارند که جامعه را از نظریه و رأی خود مطلع سازند.

۱ - (نظم اداری) از آثار حضرت ولی امرالله، ص ۲۱ (انگلیسی).

مؤسسه علمای بهائی:

در ادیان گذشته علما و روحانیون به مقام ریاست و رهبری می‌رسیدند و اغلب در قدرت و غروری که پیدا می‌کردند دچار فساد و سوءاستفاده از مقام خود می‌شدند. حضرت بهاءالله با دادن قدرت و صلاحیت به محافل روحانی که اعضای آن سالی یکبار انتخاب می‌شوند پیروان خود را از این فساد محافظه فرموده‌اند. ایشان برای استفاده از افراد با معلومات و صمیمی، مؤسسه علمای دانیان را مقرر فرمودند که خادمین این مؤسسه وقتشان صرف تشویق و ازدیاد معلومات احبا شده همواره در محافظت امر کوشش می‌نمایند ولی هیچگونه قدرت فردی ندارند.

اعضای این مؤسسه عبارتند از ایادیان امرالله، مشاورین قاره‌ای، هیئت معاونت و مساعدین آنها. حضرت بهاءالله در زمان حیاتشان چند نفر را بعنوان ایادی امرالله انتخاب فرمودند. حضرت عبدالبهاء تعدادی از مؤمنین را بعد از وفاتشان به مقام ایادی امرالله ارتقاء دادند. حضرت ولی امرالله برطبق الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بیش از ۳۰ نفر را به این مقام برگزیدند تا مسئول حفاظت و تبلیغ امر باشند. در سال ۱۹۶۸ بیت‌العدل اعظم که مجاز به انتصاب ایادی امر نبود مؤسسه مشاورین قاره‌ای را برای اجرای همان منظور تأسیس کرد. تنها فرق مشاورین با ایادی امرالله اینست که دوره خدمت مشاورین فقط ۵ سال بطول می‌انجامد و پس از انقضای این مدت ممکن است دوباره از طرف بیت‌العدل منصوب شوند.

اعضای هیئت‌های معاونت برای کمک به مشاورین منصوب می‌شوند و گروه مساعدین ایشان را در اجرای وظیفه کمک می‌کنند.

همه این افراد وابسته به مؤسسه علما یا دانیان بهائی هستند. افراد بهائی را تشویق می‌کنیم که معاونین و مساعدین خود را شناخته برای مشاوره در هر

امری با ایشان تماس بگیرند.

ضیافات نوزده روزه:

اساس جلسات نوزده روزه از طرف حضرت باب نهاده شد و هدف آن ایجاد دوستی و تفاهم بین احباب است. این ضیافات معمولاً در اول هر ماه بهائی منعقد می‌گردند و اگر بعلمی روز اول میسر نباشد انعقاد آن در هر روز از آن ماه جایز است.

شرکت در جلسه ضیافت باید برای هر فرد بهائی مقدم بر هر چیز باشد. برنامه جلسات ضیافت از سه قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول که قسمت مناجات و تلاوت است آیات و الواح تلاوت می‌شوند. در قسمت بعد که قسمت اداری است اخبار دنیای بهائی و مکاتبات به اطلاع حاضرین می‌رسد و در باره پیشنهاداتی که از طرف شرکت کنندگان داده می‌شود شور و مشورت بعمل می‌آید. آخرین قسمت برنامه عبارت از پذیرائی و ملاقات‌های دوستانه است.

صندوق‌های بهائی:

در ساختن نظم جدید جهانی سه عامل مهم کمک می‌کنند که عبارتند از رهبری، سعی و کوشش و منابع مالی. تبرع کردن یعنی تقدیم وجه به صندوق بهائی فقط مخصوص بهائیان است. مسلم است که با اشتراک مساعی و تبرع همگانی امر مبارک پیشرفت خواهد کرد. خوبست تقدیم تبرعات در هر ضیافت نوزده روزه برای فرد بهائی به صورت یک عادت در آید. مقدار تبرع بستگی به تصمیم شخص دارد. حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: «وظیفه وجدانی هر بهائی آگاه آنست که آزادانه و با رضایت خاطر تبرعات سخاوتمندانه به صندوق

محفل تقدیم دارد.»^۱ مقدار تبرع هر قدر کوچک نیز باشد، اهمیت دارد زیرا به منزله قطرات باران است که رودخانه عظیمی را بوجود می‌آورد. صندوق‌های مختلف بهائی عبارتند از صندوق بین‌المللی که از طرف بیت‌العدل اعظم بمصرف می‌رسد. صندوق قاره‌ای که مورد استفاده هیئت مشاورین قرار می‌گیرد و باید دانست که اعضای این هیئت، مشاور چندین محفل ملی هستند و مسافرت‌های پی در پی و مخارج دیگر برایشان ضروری است. خوبست افراد احبا در صورت لزوم با معاونین و یا مساعدین خادم در این مؤسسه در محل خود تماس بگیرند.

مهاجرت:

در ادیان قبل وظیفه تبلیغ و توسعه دیانت بعهده علمای دینی بود. در دیانت بهائی این مسئولیت و افتخار بعهده افراد جامعه واگذار شده است. مهاجرین، بهائی‌هایی هستند که از راحت و آسایش خود چشم پوشیده به نقاط دور دست سفر می‌کنند تا نظم جدید حضرت بهاءالله را بگوش مردم روی زمین برسانند. گاهی این مهاجرت ممکن است بمنظور تشکیل یک محفل روحانی محلی به شهر نزدیکی انجام گیرد.

حضرت بهاءالله افرادی را که وطنشان را بمنظور مهاجرت ترک می‌کنند بسیار تمجید و تحسین فرموده‌اند. احبائی که مشتقاند که وظیفه خود را انجام داده ولی بعللی برایشان مهاجرت میسر نمی‌باشد می‌توانند با تبرع به صندوق مهاجرت وکالت به سایر مهاجرین بدهند.

۱ - کتاب (نظم اداری) نوشته حضرت ولی امرالله، ص ۴۱-۴۲ (انگلیسی).

فصل هفتم

زندگی در جامعه بهائی

با آن که زندگی در یک جامعه بهائی در جوار یکدیگر بسیار دلپذیر است ولی گاهی نیز ممکن است بنحو دلخواه نباشد، چون هیچکس قادر نیست یک بهائی کامل باشد. البته همه سعی داریم که روز بروز افکار و اعمالمان را بیشتر منطبق بر تعالیم بهائی کنیم. در این سعی و کوشش خوبست متوجه باشیم در باره سایرین قضاوت نکنیم و بعلاوه دیانت بهائی را با اعمال و رفتار کسانی که دائماً سعی می‌کنند بهائی بهتری شوند مورد انتقاد و ایراد قرار ندهیم. در مثال افراد بهائی حکم ماهی دارند و جامعه بهائی حکم آب. گرچه ممکن است گاهی آب بنظرمان صاف و تمیز نیاید ولی نفس دوری از تشکیلات مثل دوری ماهی از آب است که نتیجه‌ای جز هلاک نخواهد داشت.

حیات بهائی:

تعالیم بهائی برای ترقی و بهبود شرایط زندگی بشر نازل شده‌اند. امکان دارد

که در ابتداء برای وفق دادن با این تعلیمات، دچار مشکل و سختی بشویم ولی بعد از مدتی، عمل کردن به این دستورات برایمان عادی خواهد شد. مطابق فرموده حضرت ولی امرالله، حضرت عبدالبهاء نمونه کامل تعالیم بهائی می‌باشند.

بعضی از صفات شریفه‌ای که هر فرد باید برای تحصیلشان سعی کند عبارتند از: ادب، تواضع، پاکی و طهارت، عدالت، رحم و انصاف، راستگوئی، صبر و سکون، محبت و دوستی. با کوشش مداوم رفته رفته می‌توانیم این صفات را در خود کامل کنیم و در نتیجه نه تنها روح ما ترقی خواهد کرد بلکه خواهیم توانست سایرین را به دیانت بهائی جلب کنیم.

در هر جا که نگاه کنیم مردم بدنبال نیرو و قدرتی هستند که بتواند دنیا را بهتر کند. هر بهائی می‌تواند قدرت حضرت بهاءالله را با تاسی به احکام مبارکش به دنیا نشان دهد.

اشتراک مساعی عمومی:

اگر هر کس وظیفه خود را آنطور که شایسته و پسندیده است انجام بدهد ملکوت الهی سریع‌تر در روی زمین مستقر خواهد شد. جامعه بهائی حکم هیکل انسانی را دارد که هر قسمت آن وظیفه‌ای برعهده دارد. عضله و استخوان هر یک ساختمان و وظیفه جداگانه‌ای دارند ولی با همکاری بدن را قادر به حرکت می‌کنند. اگر یکی از اعضای بدن وظیفه خود را انجام ندهد بدن ممکن است زنده بماند ولی بدون شک در کار آن خلل وارد خواهد شد. ظرفیت و وظیفه هر یک از ما بر دیگری متفاوت است. تنها وظیفه‌ای که همه ظرفیت اجرایش را داریم دعا و سعی در تطابق زندگی‌مان با تعالیم حضرت بهاءالله است.

ضيافات نوزده روزه:

قبلاً دربارهٔ ضيافات نوزده روزه صحبت کردیم. ولی باید یادآوری شود که به ضيافت رفتن فقط يك وظیفه تشکیلاتی نیست بلکه ضيافت را می‌توان قلب جامعهٔ بهائی محسوب کرد.

در برنامهٔ ضيافت، محفل محلی گزارش فعالیت‌های خود را به جامعهٔ بهائی داده با حاضرین مشورت و تبادل نظر می‌کند. پیشنهادات ضيافت برای در نظر گرفتن به محفل فرستاده می‌شوند. صلاحیت هر پیشنهاد بسته به رأی محفل است. از آنجائی که جلسات ضيافات محل بحث و گفتگوی آزاد در بارهٔ جامعهٔ بهائی است فقط بهائیان حق شرکت در آن را دارند. شرکت در جلسات ضيافات وظیفهٔ هر بهائی است مگر آنکه مریض یا در سفر باشد.

تعطیلات بهائی:

تعطیلات بهائی سالگرد حوادثی هستند که در حیات حضرت اعلی و حضرت بهاءالله پیش آمده‌اند.

روزهای تعطیل بهائی ۹ روزند که عبارتند از: تولد، اظهار امر و شهادت حضرت اعلی. تولد حضرت بهاءالله، اظهار امر ایشان یا عید رضوان که اول، نهم و دوازدهم آن ایام تعطیل هستند و عید نوروز که روز اول سال بهائی است. در این تعطیلات باید از رفتن به کار یا مدرسه خودداری کرد. روزهای زائد سال به نام ایام هاء نامیده شده که معمولاً چهار و یا در سال کبیسه پنج روز در سال است که بین ماه هیجدهم و ماه نوزدهم تقویم بهائی قرار دارند ولی جزو روزهای تعطیل نیستند. ایام هاء درست قبل از ماه صیام یعنی روزه بوده مخصوص مهمانی، پذیرائی، دادن صدقه و دستگیری از فقر است.

درس اخلاق:

درس اخلاق سبب ارشاد روحانی اطفال شده آنها را با تاریخ و تعالیم بهائی آشنا می‌سازد و به آنان اخلاق و رفتار بهائی را تعلیم می‌دهد. تربیت اطفال مسئولیتی است که از حضرت بهاء‌الله به پدران و مادران و سپس به محافل محلی داده شده است. نام اطفال بهائی در هنگام تولد و یا بعداً در دفتر محفل ملی ثبت شده در سن پانزده سالگی نامه‌ای از طرف محفل ملی برایشان فرستاده می‌شود و بعنوان یک جوان بهائی ورودشان را به داخل جامعه بهائی خوش آمد می‌گوید. در این موقع هیچگونه فشار و اجباری در کار نیست و بعهدۀ هر جوان است که خود را بهائی بخواند یا نه. سن پانزده سالگی در دیانت بهائی سن بلوغ بشمار می‌رود و از آن به بعد نماز و روزه برای هر شخص واجب است.

تزئید معلومات:

مطالعه و تفحص در آثار حضرت بهاء‌الله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله به انسان فرصت می‌دهد تا مقام جمال مبارک یعنی حضرت بهاء‌الله را بهتر بشناسد و واقف شود که چگونه تعالیم ایشان، انسان و جامعه را بسوی ترقی و تکامل راهنمایی می‌کند. با ازدیاد معلومات خود موفقیت بیشتری در امر تبلیغ نیز نصیبمان خواهد شد.

* * * * *

فصل هشتم

ظهورات مستمر و مداوم الهی

حضرت ولی امرالله در تفسیر تعالیم حضرت بهاءالله می‌فرمایند: «تعالیم و توضیحات هر دیانت مطلق و تمام نبوده، بلکه نسبی می‌باشند و ظهورات الهی آخر و انتها نداشته، مداوم و مستمر هستند.»^۱

دین:

با وحشت و نفرتی که در اوضاع کنونی جهان دیده می‌شود بنظر می‌رسد که پایانی برای اختلاف و دودستگی وجود ندارد. بهائیان از وضع جهان آگاه بوده بخوبی می‌دانند که چرا دنیا به این حال بد افتاده و درمانش چیست. بنا بفرموده حضرت ولی امرالله، ما در دنیای امروز شاهد دردهای احتضار نظم قدیم و درد

۱ - کتاب «نظم جهانی حضرت بهاءالله»، بقلم حضرت ولی امرالله، ص ۵۸ (انگلیسی).

تولد نظم جدید بهائی هستیم. حضرت بهاءالله بما که در این دوره حساس تاریخ زندگی می‌کنیم دورنمایی از دنیای پر جلال آتیه نشان داده‌اند. در دنیای امروز متأسفانه دیانت‌ها خود باعث اختلاف و دشمنی شده‌اند. ولی دیانتی را که حضرت بهاءالله به عالم هدیه فرموده‌اند تمام ملل جهان را در زیر سرپرده یگانگی خواهد آورد. از جمله تعالیم حضرت بهاءالله وحدت الهی، وحدت عالم انسانی و وحدت کلیه ادیان است. همه پیامبران از جانب خدا برای تربیت عالم انسانی آمده‌اند. در آثار بهائی آمدن پیامبران، بعنوان ظهورات مستمر و مداوم الهی یاد شده است. حضرت بهاءالله در کتاب ایتقان این مطلب را مفصلاً مورد بحث و گفتگو قرار داده و حضرت عبدالبهاء در سفرهای خود به اروپا و امریکا در باره این مطلب توضیحات فراوان داده‌اند.

هدف خلقت انسان:

خداوند از راه لطف و مرحمت خود از بین تمام مخلوقات به انسان روح عطا کرده و به او قابلیت داده که مظهر صفات الهی بشود. هدف از ارسال پیامبران آنست که عالم انسانی را بسوی نجات و فلاح راهنمایی کنند و روح او را برای ورود به عوالم الهی آماده و کامل سازند.

خداوند و پیامبران الهی:

درک ذات الهی برای بندگان همواره غیرممکن و تا ابد مستور خواهد ماند. مظاهر الهی تنها رابط بین خلق و خالق هستند و آئینه وجود آنان با صافی و شفافیتی که مختص به آن حضرات است خداوند را به اندازه فهم و درک انسان منعکس می‌نمایند ولی خدا نیستند. بمعنای دیگر خدای یکتا شریک ندارد.

روزنه‌های یاد

حضرت عبدالبهاء در این مورد می‌فرمایند، هنگامی که وحی الهی بر پیامبران نازل می‌شود آنان سخنگوی خدا می‌شوند و نباید عشق و محبت به یکی از این پیامبران، انسان را از مشاهده جمال دیگر پیامبران محروم سازد و همینطور می‌فرمایند: «عشق به نور نباید انسان را عاشق چراغ کند بلکه انسان باید شیفته نور باشد از هر محلی که بتابد.»^۱

وحدت پیامبران الهی:

امروز جهان مملو از عاشقان شمع و چراغ است ولی متأسفانه همگی شان بر سر رنگ و شکل شمع و چراغ بدون توجه به شعله و نور با یکدیگر اختلاف دارند. فرموده حضرت بهاء الله: «خداوند یگانه می‌فرماید میان پیامبران جدائی ننهیم چون خواست همگی یکی است و راز همگان یکسان. جدائی و برتری میان ایشان روانه.»^۲

خورشید امروز همان خورشید دیروز است ولی امروز روز متفاوتی است. خورشید تابستان همان خورشید زمستان است ولی شدت حرارت و نور آن متفاوت است. شدت تعالیم پیامبران نیز بر طبق ظرفیت عالم انسان فرق دارد. بهائیان معتقدند که مقام کلیه پیامبران الهی از حضرت آدم، ابراهیم، نوح و کریشنا تا موسی، زرتشت، عیسی و محمد یکسان بوده همگی حامل نبوت بودند. حضرت باب مبشر بظهور حضرت بهاء الله هستند که یوم الله یا روز خدا را آغاز فرمودند.

۱ - اساس وحدت جهانی، ص ۱۵ (انگلیسی).

۲ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، شماره ۳۴.

بوقوع پیوستن پیشگوئی‌ها:

از آنجائی که روح پیامبران برخلاف روح انسان از قبل وجود داشته و برای همیشه دائمی و برقرار است بنابراین علم آنان نیز گذشته و آینده را در بر می‌گیرد. همه پیامبران قبل، روزی را می‌دیدند که عالم بشریت به دوره بلوغ خواهد رسید و بنابراین همه آنان آمدن رب الجنود را پیشگوئی کردند.

متأسفانه در هر زمان اکثر مردم که از بینش روحانی محروم بوده و می‌باشند، از شناختن مظهر الهی محروم مانده‌اند، چه که قادر بدیدن ماورای شکل انسانی پیامبران نبودند. بخصوص علم و دانش دنیوی سبب کوری و محرومیتشان شده است. حضرت عیسی در تأیید مطلب ظهورات دائم و مستمر الهی فرمود: «بسیار گفتمی دارم که اکنون آماده شنیدن آن نیستید، روح حقیقت در وقت ظهور، شما را به آن حقایق راهنمایی خواهد کرد.»^۱

دور ظهورات الهی:

امروز علم ثابت کرده است که میلیون‌ها سال از پیدایش انسان می‌گذرد. حضرت بهاءالله می‌فرمایند: «مظاهر الهی در قرون لااویله مبعوث شده‌اند و خلق را به حق دعوت فرموده‌اند.»^۲

هر دور از ظهورات مانند دور طبیعت است. در فصل بهار جریان یک انرژی و موج نمو درخت را سرسبز کرده سبب رشدش می‌گردد. در فصل راکد زمستان

۱ - انجیل یوحنا، ۱۶: ۱۲، ۱۳.

۲ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۳۴.

روزنه‌های یاد

آن درخت بیزار از بی‌برگی آماده موج دیگری می‌شود. این امواج سالیانه مرتباً درخت را بیدار کرده رشدش را تأمین و تضمین می‌کنند. اما یک بهار در زندگی درخت مهم‌ترین بهار است و آن بهار بی‌مثال بلوغ است که برای اولین دفعه درخت شکوفه و میوه می‌دهد. امروز عالم انسانی در شرف بلوغ است و اولین میوه آن وحدت عالم انسانی است. البته با رشد درخت میوه عوض نمی‌شود بلکه شیرینتر و آبدارتر می‌گردد. ظهورات آینده که اولین آنها بعد از انقضای مدت هزار سال از ظهور حضرت بهاءالله خواهد بود، بشر را به اوج بلوغ و تکامل خود خواهند رسانید.

* * * * *

فصل نهم دانستنی‌ها

اسم اعظم:

یا الاهی

یا بهاء‌الاهی

حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند اسم اعظم الهی بهاء می‌باشد که بمعنای شکوه، درخشندگی و نور می‌آید.

بر طبق بیان حضرت ولی امرالله، اسم اعظم شامل اسامی بهاء، بهاء‌الله، یا بهاء‌الاهی، الله ابهی و نقش روی انگشتر اسم اعظم است. بهاء‌الله یعنی جلال و نور خداوند.



نقش روی انگشتر

یا بهاء‌الاهی ندائی است بر اسم حضرت بهاء‌الله و اغلب بصورت تابلو در منازل بهائی دیده می‌شود. نقش یا بهاء‌الاهی توسط خطاط معروف بهائی جناب

مشکین قلم طرح گردید.

نقش اسم اعظم که اغلب بر روی نگین انگشتر و یا تابلو دیده می‌شود، توسط حضرت عبدالبهاء طرح گردیده است. آن شامل سه خط افقی است که نمایانگر عالم حق، عالم امر و عالم خلق است. خط عمودی که سه خط افقی را بهم مربوط می‌کند نمایانگر مظاهر الهی است که عالم حق را به عالم خلق مربوط می‌سازند. دو ستاره در دو طرف نمایانگر حضرت باب و حضرت بهاء‌الله می‌باشند. چهار حرف هـ دو چشم، نمایانگر حضرت بهاء‌الله و دو خط که بشکل «ب» هستند نشان حضرت باب می‌باشند.^۱

ترپین انگشت با انگشتر اسم اعظم یک قانون بهائی نیست. اسم‌های اعظم را در هر کجا و هر مورد، باید با نهایت احترام جای داده شده، نباید برای تزئین غذا، سرلوحه کاغذ مکاتبات و سنگ مقبره از آن‌ها استفاده نمود.

الله‌بهی به عنوان سلام بین بهائیان بکار می‌رود ولی بر طبق بیان حضرت ولی امرالله موقعی که غیربهائیان حضور دارند، باید از گفتن الله‌بهی خودداری کنند زیرا بخصوص در ممالک غرب بصورت یک کلمه مرموز شرقی تلقی می‌شود.^۲

ستاره‌های پنج پَر و نه پَر:

با آنکه در اغلب سرلوحه‌های بهائی ستاره ۹ پَر بکار برده می‌شود حضرت

۱ - مستخرج از مقاله‌ای بقلم ابادی امرالله ابوالقاسم فیضی در شماره اکتبر ۱۹۶۸ در اخبار بهائی امریکا بچاپ رسید.

۲ - کتاب Lights of Guidance، ص ۲۱۲، چاپ سال ۱۹۸۳.

ولی امرالله می‌فرمایند که نشان و علامت دین بهائی ستاره ۵ پر است.^۱ برطبق حروف ابجد که هر حرف آن شماره‌ای دارد شماره نام باب مساوی با پنج و بها مساوی با نه است. حال که صحبت از شماره ۹ بمیان آمد لازم است خاطر نشان گردد که ۹ طرف مشرق‌الاذکارها به مبارکی نام بهاء است.^۲ و به همین منوال نهم عید اعظم رضوان نظر به اهمیت مبارکی عدد ۹ است.

تقویم بهائی:

آغاز تقویم بهائی را سال هزار و هشتصد و چهل و چهار یعنی سال ظهور حضرت باب تشکیل می‌دهد.

تقویم بهائی به نام دور بهائی که انگلیسی آن Baha'i Era است نامیده می‌شود. حروف B و E که بعد از شماره سال نوشته می‌شوند مختصر Bahai Era می‌باشند.

حضرت باب سال را به نوزده ماه و هر ماه را به نوزده روز تقسیم نموده، نام‌های کمالات الهی را برای ماهها تعیین فرمودند. حضرت بهاءالله چهار و یا پنج روز ایام هاء را در بین ماههای هجدهم و نوزدهم قرار دادند. طول روز بهائی بجای آنکه از دوازده شب تا دوازده شب بعد باشد، از غروب تا غروب بعد مقرر شده است.

۱ - کتاب Light s of Guidance، ص ۸۲. چاپ سال ۱۹۸۳.

۲ - کتاب Lights of Guidance، ص ۳۱۲. چاپ سال ۱۹۸۳.

مرکز جهانی بهائی:

منظور از مرکز جهانی بهائی مرکز اداره و تشکیلات جهانی بهائی است که در شهر حیفا در کشور اسرائیل واقع است. با مطالعه تاریخ دیانت بهائی معلوم می‌شود که چرا شهر حیفا مرکز اداره بهائیان جهان است. لوح کرم‌ل که در سال ۱۸۹۱ از قلم حضرت بهاء‌الله نازل شد بمنزله فرمان استقرار مرکز جهانی بهائی در کوه کرم‌ل بشمار می‌رود. در این لوح حضرت بهاء‌الله به کوه کرم‌ل خطاب کرده می‌فرمایند: «بزودی خداوند سفینه‌الله یعنی کشتی خود را بروی تو بحرکت خواهد آورد و اهل بهاء را که ذکرشان در کتاب اسم‌ها آمده است ظاهر خواهد ساخت.»^۱

پس از آن که حضرت ولی امرالله نمای خارجی مقام اعلی را با تمام رساندند نقشه قوس را که مرکزش مراقد یعنی محل‌های دفن خواهر حضرت عبدالبهاء ملقب به حضرت ورقه‌علیا، برادر حضرت عبدالبهاء ملقب به غصن اطهر و مادر حضرت عبدالبهاء آسیه خانم ملقب به نواب، طرح فرمودند و پنج بنا را در این قوس در نظر گرفتند. اولین این بناها ساختمان محفظه دارالآثار بود که در زمان حیات حضرت ولی امرالله به اتمام رسید. ساختمان بیت‌العدل اعظم که در رأس قوس است در سال ۱۹۸۲ کامل شد. سه ابنیه دیگر که فعلاً در دست ساختمان است عبارتند از مرکز دارالتبلیغ بین‌المللی، مرکز مطالعه نصوص و الواح و کتابخانه بین‌المللی. در ضمن ساختمان طبقات هجده گانه که ۹ عدد در بالا و ۹ عدد دیگر در پائین مقام اعلی قرار دارند در حال تکمیل است. اتمام ساختمان‌های قوس کرم‌ل مقارن با شروع صلح اصغر بوده که با تأییدات

۱ - مضمون بیان مبارک به فارسی از لوح کرم‌ل.

الهی و فداکاری احباء مقارناً بعرضه شهود خواهند آمد.

از شنوندگان گرامی این مجموعه تقاضا داریم که با بزرگواری خود هرگونه کمبودی را چشم‌پوشی کرده برای اطلاعات بیشتر به آثار مبارکه حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء و تفسیرات حضرت ولی امرالله و توضیحات بیت‌العدل اعظم مراجعه فرمایند.

توضیح عکس پشت جلد

- * قلعه چهریق، آخرین زندان حضرت باب
- * مجمع بدشت - ورود طاهره بدون حجاب
- * علیمحمد ورقا و فرزندش روح‌الله در آستانه شهادت
- * بدیع ملقب به فخرالشهدا در انتظار شهادت

Basics of The Baha 'i Faith

by

**DARIUS K. SHAHROKH, M.D.
MRS. GRACE L. SHAHROKH**

Transcript of Audio Tape

Translated by

DR. MINOO SABET

Narrated by

Shokouh Rezaie & Darius K. Shahrokh, M.D.

Baha 154 B.E., March 1998

Images International

5010 Austin Rd., Chattanooga, TN 37343

Tel: 1-800-470-4525